

یکی از کسانی که در سال 1339 در پی احیای جبهه ملی ایران برآمد مهندس مهدی بازرگان بود که به همراه سایر یاران و همراهان پیشین دکتر مصدق در تاسیس جبهه ملی دوم نقش داشت .

بازرگان ، طالقانی و دکتر یدالله سحابی، بعد از تاسیس جبهه ملی دوم به عضویت شورای موقت جبهه ملی انتخاب شدند و کمک های زیادی هم در رشد و فعالیت های آن بر عهده داشتند . از جمله این کمک ها واگذاری ساختمانی در خیابان فخرآباد برای راه اندازی دفتر مرکزی جبهه ملی بود . همان خانه که به خانه 143 مشهور شد .

با این حال بازرگان همزمان با حضور و فعالیت در جبهه ملی دوم، از اواخر تابستان 1339 فکر راه اندازی تشکیلاتی دیگر که تا اندازه ای با جبهه ملی تفاوت هایی داشت را نیز در سر می پروراند. به گفته خودش: "اواخر تابستان 1339 بود که به اتفاق آقای دکتر سحابی برای گردش به برغان رفته بودیم. ساعت ها در آن دره مصفای مشجر قدم می زدیم و راجع به تاسیس یک حزب که دوستان و مخصوصا جوانان و حتی وجدان خودمان ، یعنی ضرورت زمان خیلی فشار می آوردند ، فکر می کردیم و حرف می زدیم . سه مساله برای ما محرز بود : 1- فعالیت سیاسی و تشکیل یک حزب یا جمعیت سیاسی در شرایط موجود مملکت بر ما واجب است . 2- مرام و ایدئولوژی جمعیت مورد نظر و مورد لزوم ، باید برآمده و مأخوذ از اسلام باشد 3- ما، ذوق و فرصت این کار را نداریم. " (بازرگان ، 1375: 374) به گفته دکتر یدالله سحابی انگیزه موسسان نهضت آزادی ایران عبارت بود از: "جبهه ملی بیشتر فعالیت سیاسی لائیک داشت و مستقل از فکر دینی بود، ولی ما معتقد بودیم که اگر فعالیت سیاسی می کنیم از روی وظیفه دینی است و بنابراین، فعالیت سیاسی را وابسته به عقاید دینی می دانستیم" (سایت تاریخ ایرانی)

با آنکه بازرگان و سحابی در سومین جمع بندی خود گفته بودند که ما فرصت و ذوق تشکیل یک حزب را نداریم با این حال در حدود هشت ماه بعد به همراه چند نفر از دوستان و همفکران خود به این کار اقدام کردند . مهندس بازرگان در خاطرات خود توضیح نداده است که چه عاملی موجب شد تا وی و دکتر سحابی علی رغم آن جمع بندی سرانجام مجاب شوند تا اساسا اقدام به تاسیس حزب کنند .

آنها با این جمع بندی ، و پس از گفت وگو با همفکران خود تصمیم خود را عملی کردند . به گفته ابوالفضل حکیمی : " روز اول تاسیس نهضت، ششم اردیبهشت سال ۴۰ بود. یک باشگاهی در خیابان کاخ، یک حیاط خیلی بزرگی بود. اول وارد ساختمانی می شدیم و یک ایوان جلوی طبقه دوم ساختمان بود و مشرف بود به حیاط مستطیل مانند بود که سه هزار نفر گنجایش داشت. در جلسه ۴۰۰، ۵۰۰ نفر بودند در همین جلسات بود که نطفه شکل گیری نهضت آزادی ایران بسته شد. " (سایت تاریخ ایرانی )

در تاریخ 21 اردیبهشت مهندس بازرگان در نامه به دکتر مصدق ضمن اعلام تصمیم خود مبنی بر تشکیل « نهضت آزادی ایران» خواستار و راهنمایی و پشتیبانی ایشان از این تصمیم شد . دکتر مصدق چهار روز بعد پاسخ نامه بازرگان را داد : " قربانت شوم ، مرقومه محترم مورخ 21 جاری مبشر تشکیل جمعیتی به نام نهضت آزادی ایران عز وصول ارزانی بخشید ... تبریکات صمیمانه خود را تقدیم می کنم و تردید ندارم که این جمعیت تحت رهبری شخص شخیص جنابعالی موفق به خدمات بزرگی نسبت به مملکت خواهد شد... دکتر محمد مصدق" (نهضت آزادی ایران ، 1363 ، جلد اول : 5 )

بنیانگذاران نهضت آزادی ایران بعد از تأیید دکتر مصدق با ارسال نامه ای برای عده ای از فعالان سیاسی از آنها برای شرکت در مراسمی برای اعلام رسمی تأسیس نهضت آزادی برگزار دعوت کردند. دعوت کنندگان عبارت بودند از: مهدی بازرگان، سید محمود طالقانی، یدالله سحابی، منصور عطایی، حسن نزیه، رحیم عطایی و عباس سمیعی.

در پایان اطلاعیه ای که تاریخ داشت در باره هدف از تأسیس نهضت چنین آمده بود: "... مردم نگران امنیت هستند، خسته از استبداد و اختناق هشت ساله، رنجور از سختی معیشت و شرمسار از ننگ دزدی و خیانت هیأت حاکمه ای که متأسفانه نام ایران و ایرانی را آلوده ساخته است. خواهان سرنوشت بهتر - رهایی از ننگ نکبت و استقرار یک حکومت ملی سازنده ایران پاک و آباد و آزاد است.

امر مسلم این است که: ان الله لا یغیروا ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم

اقتضای شرایط حاضر در این پیچ مهم تاریخ ایران، با استعانت از پروردگار جهان، با امید به مردانگی و همکاری هموطنان، تأسیس نهضت آزادی ایران اعلام می گردد" (نهضت آزادی ایران، پیشین: 27)

در جلسه اعلام تأسیس نیز که در منزل صادق فیروزآبادی فرزند آیت الله سید رضا فیروزآبادی تشکیل شد مهندس بازرگان هدف از تأسیس نهضت را تشریح کرد. حسن نزیه نیز درباره اصول مرامنامه نهضت برای حاضران سخن گفت.

مهندس بازرگان در سخنرانی خود درباره این که چرا در کنار جبهه ملی دوم، تشکل جدیدی راه اندازی شده توضیح داد و تصریح کرد که نهضت آزادی ایران دکانی در برابر جبهه ملی نیست.

بازرگان در پایان سخنان خود درباره اصول مرامنامه، ضمن آن که تشریح آن را برعهده حسن نزیه گذاشت، گفت: " ما مسلمان، ایرانی، تابع قانون اساسی و مصدقی هستیم. 1- مسلمانی، نه به این معنی که یگانه وظیفه خود را روزه و نماز بدانیم. بلکه ورود ما به سیاست و فعالیت اجتماعی من باب وظیفه ملی و فریضه دینی بوده، دین را از سیاست جدا نمی دانیم و خدمت به خلق و اداره امور ملت را عبادت می شماریم. آزادی را به عنوان موهبت اولیه الهی و کسب و حفظ آن را از سنن اسلامی و امتیازات تشیع می شناسیم. مسلمانی به این معنی که به اصول عدالت و مساوات و صمیمیت و سایر وظایف اجتماعی و انسانی قبل از آن که انقلاب کبیر فرانسه و منشور ملل متحد اعلام نماید معتقد بوده ایم. 2- ایرانی هستیم ... ایران دوستی و ملی بودن ما ملازم با تعصب نژادی نیست 3- تابع قانون اساسی هستیم ولی منافی (نومن بیعض و نکفر بیعض) نبوده از قانون اساسی به صورت جامع طرفداری می کنیم 4- مصدقی هستیم ... ولی نه به آن معنی و مقصدی که از روی جهل و غرض به او تهمت زده، مکتب او را مترادف با هرج و مرج و تقویت کمونیسم و تعصب ضد خارجی و جدایی ایران از جهان معرفی کرده اند. ما مصدق را به عنوان یگانه رییس دولتی که ... توانست پیوند بین دولت و ملت را برقرار سازد و مفهوم واقعی دولت را بفهماند و به بزرگترین موفقیت تاریخ اخیر ایران یعنی شکست استعمار نائل کند تجلیل می کنیم..." (منبع فوق، 14-6)

بعد از تأسیس نهضت آزادی، آیت الله حاج سید رضا زنجانی موسس و رهبر نهضت مقاومت ملی در اطلاعیه ای ضمن تبریک به موسسان نهضت آزادی، نوشت: "... از عموم آقایان محترم خواهشمندم که در چنین موقع بسیار حساس با ایمان و توکل به خداوند و بیداری کامل فقط و فقط برای خدمت به اسلام و مسلمین و با نهایت واقع بینی در تشخیص مصلحت و اجتناب از هر نوع خودبینی و خورده گیری و انتقاد غیرنافع و رعایت عواطف و اخلاق و دوری از هر نوع احساسات مضر و بی مایه و مراعات نظم و تشکل و انضباط و تقسیم کار و تنویر افکار عمومی و جلب وثوق عامه مسلمین و اشتراک مساعی با جمعیت های متشکله اصیل و رعایت احترام و تشدید ارتباط با جبهه ملی به وظائف خود قیام و اهتمام فرمایید. (پیشین: 29)

آیت الله طالقانی نیز طی اطلاعیه ای درباره دلایل عضویت خود در نهضت آزادی نوشت: "اینجانب گرچه از کوتاهی در انجام وظیفه خود در نزد خدا و اولیاء اسلام و نیاکان بزرگوارم شرمسارم ، ولی پیوسته در صف مبارزه با فساد و مفسدین باقی مانده و به این سبب دعوت همکاری با بنیادگذاران نهضت آزادی را پذیرفتم ..." (همان منبع: 31)

نهضت آزادی بعد از تشکیل تلاش کرد تا ضمن فعالیت مستقل ، ارتباطات خود با جبهه ملی دوم را حفظ کند . به همین دلیل به رغم آن که چند تن از موسسان آن در شورای جبهه ملی عضویت داشتند و برخی از اعضای آن نیز در سطوح پایین تر با جبهه ملی همکاری می کردند ، درخواست کرد تا نهضت آزادی به عنوان یکی از احزاب و جمعیت های جبهه ملی پذیرفته شود . این موضع و نیز اختلافات دیگری که در خصوص برخورد با مسائل سیاسی روز میان دو طرف وجود داشت سبب شد تا پایان عمر جبهه ملی دوم ، موضوع عضویت نهضت آزادی در جبهه ملی حل نشود . یکی از اختلافات نهضت آزادی و جبهه ملی در این دوران بر سر نحوه برخورد با دولت علی امینی بود . نهضت آزادی معتقد بود باید لبه تیز حملات را متوجه استبداد و شخص شاه کرد . آنها اعتقاد داشتند که شاه و امینی با یکدیگر تضاد دارند و نیروهایی همچون نهضت آزادی و جبهه ملی باید از این تضاد به نفع خود استفاده کنند . بنابراین در حالی که جبهه ملی در سال 1340 پی در پی به دولت امینی حمله می کرد ، نهضت به تضعیف دولت امینی اعتقاد نداشت . این موضع نهضت با مخالفت سران جبهه ملی مواجه شد. دکتر سنجابی در این باره در خاطرات خود می گوید: "در دوران امینی مهندس بازرگان و رفقای با امینی همراهی و همکاری می کردند . شاید پیش خودشان چنین توجیه می کردند که تقویت امینی مخالفت با شاه است و به هیچ وجه به دنبال اینکه رفقای آنها را ... زندانی کرده ... نرفته و در مقام دفاع از ما برنیامدند." (سنجابی، 1368: ص 217) در مقابل نهضتی ها در انتقاد به مواضع جبهه ملی در قبال دولت امینی نه برحقانیت امینی انگشت می گذاشتند و اقدامات او در زمینه اصلاحات ارضی و یا تعطیلی مجلس را تایید می کردند و نه نقش دولت آمریکا در روی کار آمدن او را کتمان می کردند . اتفاقاً موضع شخص مهندس بازرگان در برابر اصلاحات ارضی از موضع بسیاری از رهبران جبهه ملی دوم تندتر هم بود . به اعتقاد مهندس بازرگان و نهضت آزادی نتیجه تضعیف دولت امینی نه به سود مردم بلکه به نفع شاه تمام می شد و شاه پس از کنار گذاشتن امینی به سراغ سایر نیروها خواهد رفت . به همین دلیل معتقد به عدم تضعیف دولت امینی و سوق دادن توجه و اعتراض عامه به سوی شاه و دربار بودند. نهضت آزادی در این جهت در اعلامیه مورخ 5 بهمن در تحلیل وقایع دانشگاه تلوچا شاه را مسئول وقایع پیش آمده معرفی کرد . در آن اعلامیه آمده بود : " .. ملت ایران مسئول حادثه اول بهمن و تظاهرات متعاقب آن و قتل دانش آموزان را کسانی می داند که قوای انتظامی را رهبری و سرپرستی می کنند . حال اگر دولت نظارت و حکومت بر قوای نظامی داشته و دارد مسئول است و باید محاکمه شود..." (بازرگان، 1375، ص 364) صحت این دیدگاه کمتر از دو سال پس از کنار رفتن امینی از مسند نخست وزیری و در جریان وقایع سال 1342 به اثبات رسید . شاه با پشتیبانی دولت ایالت متحده آمریکا نه تنها نیروهایی همچون جبهه ملی و نهضت آزادی بلکه روحانیت مبارز را نیز هدف سرکوب قرار دادند و به یکباره و گرچه برای مدتی کوتاه صحنه سیاسی ایران را از مخالفین خود خالی کرد.

نهضت آزادی در پایان مراسم تاسیس اعلام کرد که در میتینگ جبهه ملی در جلالیه در روز 28 اردیبهشت ماه [1340] شرکت خواهد کرد . در دومین گام در جریان برگزاری مراسم سالگرد قیام سی تیر که برای نخستین بار بعد از کودتا برگزار شد، اعضای نهضت آزادی حضور فعال داشتند . در آن روز بسیاری از سران و اعضای رده های مختلف نهضت در ابن بابویه و نیز در میدان جلالیه و مقابل دانشگاه در تظاهرات شرکت و بسیاری از آنها نیز بازداشت شدند که آیت الله طالقانی ، مهندس بازرگان، دکتر سبحانی، مهندس عطایی، عباس رادانیا ، احمد علی بابایی و مهندس عزت الله سبحانی از جمله آنها بودند.

با این حال تا اواسط سال 1341 یعنی حتی بعد از کنار رفتن دولت امینی و روی کار آمدن دولت اسدالله علم، برخورد نهضت آزادی با رژیم چندان تند نبود.

در مهر 1341 به دنبال مطرح شدن گزینه هایی همچون تشکیل مجلس موسسان، برگزاری فرماندم و یا برگزاری یک کنگره برای اصلاح قانون اساسی از سوی رژیم، لحن نهضت نیز تندتر شد. نهضت آزادی در اطلاعیه آبان 1341 نظرات خود درباره تعطیلی مجلس، تصویب نامه های غیرقانونی و اعمال فرمایشی همچون محو آزادی زبان و قلم و مطبوعات و اجتماعات، فساد و حکومت مطلقه را مطرح کرد. در این بیانیه تشکیل مجلس موسسان یا برگزاری فرماندم برای تصویب لوایح پیشنهادی دولت فکر شومی خوانده شده بود که ملت ایران اجازه برگزاری آن را نخواهد داد. در این اطلاعیه همچنین مجریان این اقدام را کارگردانان و دسیسه بازان روباه صفت هیأت حاکمه که ملت از آنها بیزار است و اقدامات آنها را بی ارزش و ناشی از افکار پوسیده می داند، خطاب کرد. (نهضت آزادی ایران، 1363، جلد اول: 95-) در اطلاعیه بعدی نهضت نیز با همین لحن و مضمون در باره برگزاری انتخابات انجمن های ایالتی و ولایتی و موضوع حق رای خانم ها، این اقدام حاکمیت را گامی در جهت تداوم تعطیلی مشروطیت و برگزار نکردن انتخابات مجلسین سنا و شورای ملی ارزیابی کردند. درباره موضوع حق رای زنان هم چنین اظهار نظر شده بود: "از دولت بسیار دلسوز و قانون پرست و دموکراسی طلب استدعا دارد فعلا حق بازگرفته مردها را به خودشان پس بدهد و دخالتی در انتخابات ننماید تا بعد نوبت صحبت خانم ها و انجمن های ایالتی برسد. به خواهران ارجمند و خانم های روشنفکر نیز توصیه می نمایم فریب این حرف ها را نخورند و اگر به فکر رهایی از سدهای استعماری و جهل و بیچارگی ملت هستند سنگ حقوق بدیهی تر و عمومی تر را که اول آنها حق آزادی مطبوعات و انتخابات است به سینه بزنند." (نهضت آزادی ایران، 1363 جلد اول: 98 - اطلاعیه - دولت از هیاهوی انتخابات انجمن های ایالتی چه خیالی دارد؟-آبان 1341)

### نهضت آزادی و نهضت روحانیت:

نهضت آزادی ایران از نهضت روحانیت و ورود روحانیان به صحنه فعالیت های اجتماعی - سیاسی استقبال کرد. به گفته مهندس سبحانی، "در شورای مرکزی نهضت آزادی، پیرامون ورود روحانیت به صحنه سیاسی کشور بحث و گفت و گو شد و سرانجام مهندس بازرگان بحث را چنین جمع بندی کردند که با توجه به این که نفس این امر، یعنی ورود اظهار علاقه مراجع به مسائل سیاسی که امور کلان کشور و مردم است و مبارزه گسترده و فراگیر با رژیم کار خوبی است و خواست و انتظار ما و دیگران هم از روحانیت همین بود بایستی از این مساله استقبال و آن را امر مبارکی تلقی کنیم. ولی باید به آقایان مراجع نزدیک شویم و با آنها تماس بگیریم." (عزت الله سبحانی، 1388: 251)

در همین رابطه سران و فعالان نهضت آزادی با آقایان آیات: شریعتمداری، گلپایگانی، نجفی مرعشی و خمینی تماس برقرار کردند و در باره چگونگی مبارزه با رژیم و هماهنگ ساختن خواسته ها و اقدامات با آنها گفت و گو کردند. ارتباط با آیت الله خمینی توسط مرحوم علامه طباطبایی هماهنگ و صورت گرفت (سحابی، پیشین)

این ارتباط با مراجع مذکور و نیز بعدها با آیت الله سید هادی میلانی در مشهد همواره تا سال های بعد ادامه یافت. برخورد نهضت آزادی ایران با حرکت نهضت روحانیت تائیدی و تصحیحی بود. (سحابی، همان منبع)

بعد از عقب نشینی اولیه رژیم، نهضت آزادی در اطلاعیه ای در باره نقش علما در مبارزه چنین اظهار نظر کرد: "پس از گذشت 56 سال که روحانیون ایران علمدار انقلاب مشروطیت و رهبر ملت واضع قانون شدند، مردم مسلمان آزادی خواه با اعجاب و امید به چنین بازگشت دسته جمعی و توأم شدن دین و قانون که لازم و ملزوم یکدیگراند می نگرند. بسیار ارزنده و زیبنده است که آقایان اعتراض خود را نه به موضوع واحد انتخابات انجمن های ایالتی و ولایتی کرده و نه آلوده به مسئله اصلاحات ارضی که دست آویز ظاهر فریبی برای دولت شده است، نموده اند بلکه نظر را بالا گرفته انگشت روی

منشأ خرابیها و ریشه مفسد یعنی خودکامگی و حکومت مطلق العنانی فردی گذارده مدافع اجرای کلی احکام اسلام و رعایت قانون اساسی شده حق حاکمیت مردم از طریق انتخابات صحیح را مطالبه می نمایند ..."(اطلاعیه : آبان /آذر 1341)

همین ارتباط بود که علی رغم داشتن این موضع در برابر آقایان علماء، آیت الله خمینی بعد از صدور احکام دادگاه تجدید نظر در باره سران و فعالان نهضت آزادی طی پیامی ضمن بی اعتبار دانستن رای دادگاه خطاب به مهندس بازرگان، آیت الله طالقانی چنین بنویسد : " من خوف داشتم که اگر در موضوع بیدادگری نسبت به حجت الاسلام آقای طالقانی و جناب آقای مهندس بازرگان و سایر دوستان کلمه ای بنویسم، موجب تشدید امر آنها شود و ده سال زندان به پانزده سال تبدیل گردد. اینک که حکم جائزانه دادگاه تجدیدنظر صادر شد، ناچارم از اظهار تأسف از اوضاع ایران عموماً، و از اوضاع دادگاه خصوصاً... اینجانب و اشخاص با وجدان و با دیانت متأسفیم از مظلومیت این اشخاص که به جرم دفاع از اسلام و قانون اساسی محکوم به حبسهای طولی مدت شده، و باید با حال پیری و نقاهت در زندان، برای اطفای شهوات دیگران، به سر برند. رای دهندگان باید منتظر سرنوشت سختی باشند." (صحیفه نور جلد اول)

### نهضت آزادی و دکتر مصدق:

یکی از تاکیدات نهضت آزادی در این دوره موضوع یادآوری نام دکتر مصدق بود . این امر با توجه به حساسیت شخص شاه در مورد نام مصدق ، مساله مهمی به شمار می رفت . در آذر 1341 در اعلامیه سالگرد 16 آذر نهضت ضمن نام بردن از پیمان خود با دکتر مصدق شاه را دیکتاتور خواند. در پایان آن اعلامیه چنین آمده بود : "... ما به راه مصدق وفادار و در راه آزادی ملت کوشا هستیم ."

در 17 آذر 1341 اطلاعیه ای با امضای دانشجویان نهضت آزادی ایران منتشر شد . در این اطلاعیه ضمن درخواست آزادی دکتر مصدق وانتقاد به رهبری جبهه ملی، دکتر مصدق را تنها ، شخص با صلاحیت برای رهبری جبهه ملی دانسته بود . در آن اطلاعیه آمده بود: "... تنها شعار دانشگاهیان آزادی رهبر ارجمند ملت ایران دکتر محمد مصدق از زندان احمدآباد بود و به تصویب عموم دانشجویان رسید ... ونظر به تزلزل و قصوری که جمعی بنام رهبران جبهه ملی از خود بروز دادند ما تنها مرجع نیصلاحیت برای اخذ تصمیم و انجام مذاکرات فی مابین مراجع داخلی و خارجی را شخص دکتر محمد مصدق می دانیم و هرگونه مذاکره و توافقی را از طرف شخص و یا گروههای مختلف با دشمنان داخلی و خارجی ملت ایران محکوم می کنیم"

این اطلاعیه با واکنش تند جبهه ملی دوم رو به رو شد. شورای جبهه ملی دوم از رهبری نهضت آزادی اخراج تهیه کنندگان اطلاعیه از نهضت آزادی را خواستار شد. در کنگره جبهه ملی نیز قبول درخواست عضویت نهضت به عنوان یکی از احزاب عضو جبهه منوط به اخراج آنها شد . در کنگره جبهه ملی دوم در دی 1341 ، مهندس بازرگان، آیت الله طالقانی ، دکتر سبحانی و حسن نزیه به صورت فردی شرکت داشتند . آنها از قبول درخواست جبهه ملی سرباز زدند و در نتیجه عضویت نهضت آزادی در جبهه ملی نیز ممکن نشد .

### انقلاب سفید :

در همان حال و در حالی که رژیم در پی برگزاری همه پرسی درباره اصل شش گانه موسوم به انقلاب سفید بود ، نهضت آزادی با انتشار بیانیه ای با عنوان : "ایران در آستانه یک انقلاب بزرگ و برگرداندن تاریخ خود " رفراندم و اصول ششگانه پیشنهادی را به زیر سوال برد .حرف اصلی و اساسی نهضت آزادی در ان بیانیه این بود که در شرایط نبود آزادی برگزاری رفراندم آن هم توسط شخص شاه غیر قانونی وبلا موضوع است.اطلاعیه نهضت آزادی-1341/11/3)

### بازداشت و محاکمه:

بعد از برگزاری کنگره و درآستانه برگزاری همه پرسی درباره لوایح شش گانه ، از ابتدای بهمن 1341 موج بازداشت فعالان سیاسی در کشور شروع شد. با دستگیری و بازداشت رهبران نهضت آزادی ، اداره امور در دست نیروهای جوانتر نهضت قرار گرفت . " بعد از زندانی شدن آنان( سران نهضت آزادی ) فعالیت سیاسی و مبارزاتی هم در جبهه ملی و هم در نهضت آزادی ، بر عهده جوانان افتاد و همین امر در رادیکال شدن اوضاع بسیار موثر بود ."( جعفری ، 1389، جلد اول: 103) و به همین دلیل شاهد آن بودیم که به تدریج لحن بیانیه های نهضت نیز تند تر شد . اعلامیه 4 بهمن 1341 در باره همه پرسی وبعد از آن اطلاعیه 23 بهمن درباره نتایج همه پرسی از آن جمله بود. در اسفند آن سال بیانیه تحلیلی کمیته دانشجویان نهضت آزادی منتشر شد. در آن بیانیه مردم به پیکار علیه رژیم فراخوانده شده بودند. در بخش هایی از آن بیانیه چنین آمده بود: " غافل از آن که به فرموده حضرت علی (ع) خشم ملت نمونه ای از خشم خداست. اکنون هیئت حاکمه چون غریقی ناامید بهر وسیله نامناسب چنگ می زند بدون اینکه به فردایش بباندیشد! وضع وخیم اقتصاد کشور ، ورشکستگی تمام دستگاه های مالی بیداری تمام مردم و سروصدای ارتشی های شرافتمند و مبارزات بسیار اساسی دانشجویان و روحانیون مقیم خارج از کشور. قیام مردم در تمام نقاط ایران به اضافه شکست برنامه های استعماری برای تحکیم مبانی دیکتاتوری و اختلاف شدید در داخل هیئت حاکمه همه دست بدست هم داده پایه های ثبات هیئت حاکمه را متزلزل ساخته است... بکوشیم تا بساط خودکامگی و دیکتاتوری را بر هم زنیم ...."(اطلاعیه کمیته دانشجویان نهضت آزادی ایران، اسفند 1341)

اطلاعیه ای هم در شب عید 1342 از سوی نهضت آزادی منتشر شد . به گفته عزت الله سبحانی: "شب عید 1342 اعلامیه ای از سوی ما و به نام نهضت منتشر شد . این اعلامیه عنوان نداشت ولی در ابتدای آن آیه «فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیم» نوشته شده بود. متن اعلامیه تا حدودی تند بود ..."(سحابی 1388، ص254)

در اردیبهشت و خرداد 1342 با هجوم نیروهای امنیتی علاوه بر رهبران نهضت که در زندان بودند عده دیگری از فعالان نهضت آزادی نیز دستگیر شدند. به نوشته عزت الله سبحانی: "شب دوم خرداد ساواک با یک هجوم همه جانبه ، چند نفر از فعالین نهضت را دستگیر کرد. مرا به تنهایی در شرکت خودم دستگیر کردند . ولی 16-17 نفر از دوستان ما را در کلاس سیاسی نهضت ... دستگیر کردند ... بعد به منزل آقای ابوالفضل حکیمی ریختند و ایشان را به همراه دستگاه پلی کپی و مدارک و اسناد زیادی به ساواک آوردند."(سحابی ، همان 254-255)

به هنگام قیام 15 خرداد عده زیادی از رهبران و اعضای نهضت آزادی در زندان بودند . شب جمعه 22 خرداد به مناسبت شب هفتم شهدای 15 خرداد مراسمی در حیاط زندان قصر برگزار شد . در این مراسم مهندس بازرگان سخنرانی مفصلی کرد و از شهدای قیام تجلیل کرد .

بعد از آن جلسه ، چند تن از نیروهای جوان عضو نهضت ، از مهندس سبحانی خواستار آن شدند تا علاوه بر آن مراسم ، اعلامیه ای هم در حمایت از قیام 15 خرداد و تجلیل از شهدا از سوی نهضت آزادی ایران منتشر شود. به گفته عزت الله سبحانی که متن اعلامیه به خط او بود: "مرحوم محمد حنیف نژاد و عنایت ربانی با من صحبت کردند ... اطلاعیه ای در این رابطه تهیه شد که در آن ضمن تجلیل از واقعه و شهدای آن از آقای خمینی هم تجلیل شده بود ... فقط متن آن را به مهندس بازرگان دادیم ... مهندس بازرگان متن را خواند و ضمن تأیید آن یک پاراگراف هم خود به آن اضافه کرد . پاراگراف مزبور این طور شروع می شد : " باید اذعان کرد که شخص اول مملکت مسئول همه این حوادث هستند." (سحابی ، پیشین ، ص256) عزت الله سبحانی متن پیش نویس اعلامیه را به پدرش دکتر یدالله سبحانی که در حال انتقال از زندان قصر به قزل قلعه بود داد تا با خود به قزل قلعه واز آنجا به بیرون منتقل کند . در قزل قلعه اعلامیه از داخل جوارب دکتر سبحانی بیرون افتاده و به دست ماموران زندان افتاد .

کشف اعلامیه موجب شد تا به رغم آن که عموم بازداشتی های بعد از بهمن 1341 به تدریج در تابستان 1342 آزاد شدند ، اعضای نهضت آزادی برای محاکمه با پرونده تدارک دیده شده از سوی ساواک و مقامات امنیتی تحویل دادگاه نظامی شوند. محاکمه اعضای نهضت در دادگاه بدوی و تجدید نظر از مهر 1342 تا اردیبهشت 1343 به طول انجامید . اعضای باقی مانده و به ویژه نیروهای جوان عضو نهضت به همراه سایر مبارزان با انتقال اخبار دادگاه و انتشار مدافعات متهمین ، موج وسیعی علیه رژیم شاه ایجاد کردند .

ایستادگی و مدافعات محاکمه شوندگان موجب شد تا رهبران و فعالان نهضت آزادی به زندان از شش ماه تا ده سال زندان محکوم شدند. تنها کسی که در دادگاه از خود دفاع نکرد آیت الله طالقانی بود . به نوشته جلال الدین فارسی که به عنوان تماشچی در جلسات دادگاه شرکت داشته است : "تنها مرحوم طالقانی لب به سخن نگشود . او... دادگاه را به رسمیت نشناخت ... در جلسه پایانی ، هنگامی که حکم محکومیت را قرائت کردند و هیات قضات نظامی برخاستند تا جلسه را ترک گویند طالقانی از جا برخاست و با لحنی آمرانه نهیب زد : بایستید . نظامیان برجای میخکوب شدند . چنین تلاوت فرمود: والفجر ولیل عشر ... (فارسی، ص115) مدافعات مهندس بازرگان در دادگاه تجدید نظر نظامی بعدها به صورت کتاب مفصلی در خارج از کشور چاپ و منتشر شد .

با بازداشت رهبران و فعالان نهضت آزادی ، عملاً فعالیت های نهضت آزادی نیز متوقف شد . مهندس بازرگان ، دکتر سحابی ، آیت الله طالقانی ، عباس رادنیاء ، عزت الله سحابی ، عباس سمیعی ، ابوالفضل حکیمی ، محمد مهدی جعفری ، احمد علی بابائی ، عباس شیبانی ، محمد بسته نگار ، مصطفی مفیدی و... مدتی را در زندان قصر گذراندند .

در پنجم آبان 1344 سیزده نفر از اعضای نهضت که در زندان قصر دوران محکومیت خود را می گذراندند به زندان برازجان تبعید شدند. مهندس بازرگان ، یدالله و عزت الله سحابی ، عباس شیبانی ، احمد علی بابایی ، ابوالفضل حکیمی ، محمد مهدی جعفری ، محمد بسته نگار ، مجتبی و مصطفی مفیدی ، حسین عالی ، مهدی شاملو و مهدی حمسی افرادی بودند که به همراه پنج زندانی دیگر به برازجان تبعید شدند . در این میان فقط آیت الله طالقانی در زندان قصر باقی ماند .

تبعید شدگان به زندان برازجان در 20 خرداد 1345 به تهران بازگردانده شدند . زندانیان عضو نهضت پس از بازگشت از تبعید با اتمام مدت محکومیت به تدریج از زندان آزاد شدند . مهندس بازرگان و آقای طالقانی هم که به ده سال زندان محکوم شده بودند در آبان 1346 از زندان آزاد شدند.

اعضای نهضت آزادی بعد از زندان به صورت فردی و غیر تشکیلاتی به فعالیت خود ادامه دادند . برخی از آنها جذب سایر نیروهای جدید همچون سازمان مجاهدین خلق شدند ، بعضی دیگر به خارج رفتند و در آن سوی مرزها با نهضت آزادی ایران در خارج از کشور که در سال 1341 تشکیل شده بود همکاری کردند. در سال 1355 نهضت آزادی بار دیگر فعالیت های خود را از سر گرفت .

### تجدید فعالیت:

در نیمه دوم سال 1355 نهضت آزادی بار دیگر فعالیت های تشکیلاتی خود را از سر گرفت. به نوشته محمد مهدی جعفری: " روزی دوستان مرا دعوت کردند که در جلسه ای در منزل آقای ابوالفضل حکیمی شرکت کنم . رفتیم هفتم ، هشت نفر از دوستان قدیم نهضتی آنجا هستند . در آنجا تصمیم گرفته شد نهضت آزادی ایران تجدید سازمان کند و این سرآغاز فعالیت مجدد نهضت آزادی ایران بود. بعد از آن قرارهای تشکیلاتی گذاشته شد و از آن پس جلسات نهضت به طور منظم تشکیل شد . " (جعفری 1389، جلد2، 361)

فعالیت های نهضت در نیمه دوم سال 1356 جدی تر شد . شورای مرکزی و هیات اجراییه جدیدی انتخاب و کار خود را آغاز کرد. در نیمه دوم سال 1357 در دوران اعتصاب مطبوعات نشریه پیام از سوی نهضت آزادی انتشار یافت که اخبار نهضت و جنبش اجتماعی را منعکس می کرد. با اوج گیری حوادث در سال 1357 به تدریج حضور و نقش رهبران و اعضای نهضت آزادی ایران نیز بیشتر می شد . تا پیش از سال 1357 رهبران نهضت در اداره و برنامه ریزی برای برگزاری مراسم در مساجدی از جمله مسجد قبا فعالیت داشتند. در مراسم سخنرانی بعد از نماز مغرب و عشا در مسجد قبا در رمضان 1356، اعضای نهضت علاوه بر حضور در برنامه ریزی این مراسم ، از جمله سخنرانان اصلی آن به شمار می رفتند . مهندس بازرگان، دکتر سبحانی، دکتر غلامعباس توسلی به مدت چند شب در آن مراسم سخنرانی کردند . هاشم صباغیان و محمد توسلی از جمله اعضای هیات مدیره مسجد قبا در آن دوره بودند. در سال 1357 علاوه بر برنامه های مسجد قبا، در جریان برگزاری مراسم نماز عید فطر در تپه های قیطریه در سال 56 و سال 57 و تظاهرات سراسری بعد از مراسم سال 57 ، تظاهرات روز 16 شهریور ، تظاهرات روزهای تاسوعا ، عاشورا و اربعین ، مراسم ورود آیت الله خمینی به ایران و... اعضای بلند پایه و نیز رهبران نهضت همواره از جمله اعضای ثابت سازمان دهندگان و ستاد برگزاری این برنامه ها بودند . اعضای نهضت آزادی ایران در خارج از کشور و از جمله دکتر ابراهیم یزدی، صادق قطب زاده و دکتر حسن حبیبی نیز در دوران اقامت رهبر انقلاب در نوفل لوشاتو از جمله اداره کنندگان محل اقامت آیت الله خمینی بودند.

در جریان حوادث دوران انقلاب تعدادی نهاد و کمیته به منظور سامان دهی به مسائل روز از سوی رهبر انقلاب ایجاد شد . در این نهادها همواره عده ای از اعضای نهضت آزادی همچون مهندس بازرگان ، دکتر یدالله سبحانی، مهندس عزت الله سبحانی ، مهندس هاشم صباغیان، مهندس محمد توسلی در داخل کشور و دکتر ابراهیم یزدی، صادق قطب زاده ، دکتر حسن حبیبی و دیگران در خارج از کشور در نهادهایی همچون شورای انقلاب اسلامی ، کمیته تنظیم اعتصاب کارگران ، کمیته تنظیم تولید و توزیع نفت و سوخت ، کمیته استقبال از امام خمینی ، اداره محل اقامت آیت الله خمینی در پاریس ، و سرانجام تشکیل دولت موقت نقش اساسی و عمده ای بر عهده داشتند .

### بیانیه سنگر به سنگر:

در این دوران نهضت آزادی علاوه بر فعالیت هایی که در بالا به آن ها اشاره شد ، از نظر تشکیلاتی نیز در صحنه حضور داشت . بیانیه ها و اعلامیه های نهضت به مناسبت رویدادها و حوادث مختلف هر از چند گاه منتشر می شد. یکی از این بیانیه ها که بحث های بسیاری را برانگیخت ، بیانیه مورخ 6 شهریور 1357 نهضت آزادی بود . عنوان این اطلاعیه « راه نجات ایران از بن بست حاضر » بود . در این بیانیه که بعدها به اطلاعیه سنگر به سنگر و یا گام به گام مشهور شد برای خروج کشور از بن بست سیاسی دو راه حل پیشنهاد شده بود : 1- نابودی ملت در زیر ساطور سلطنت تا آخرین فرد 2- کناره گیری شاه از سلطنت .

در آن بیانیه با توجه به عملکرد شاه چنین نتیجه گیری شده بود که: " با ماندن شاه هیچ کاری چاره نخواهد شد و راه حل مفیدی نخواهد یافت . اما با استعفا و رفتن ایشان مملکت از بن بست بیرون آمده ، چاره جویی هایی امکان پذیر خواهد شد." در پایان بیانیه هم گفته شده بود : " ملت اگر از نجات و پیروزی موقت مغرور و برکنار نشسته ... به یاری خداوند مواضع حقه مطلوب را تدریجا با تشکل و تدارک و حسن نیت سنگر به سنگر تصرف خواهند کرد " ( اطلاعیه نهضت آزادی ایران - 6 شهریور 1357)

بعد از آن بیانیه ، تا پیروزی انقلاب نهضت آزادی 12 بیانیه و اطلاعیه دیگر و نیز چند پیام و تلگراف به مناسبت های مختلف منتشر کرد . همچنین در این دوره متن مرامنامه و اصول برنامه های نهضت آزادی ایران منتشر شد . عبارت سنگر



به سنگر که در بیانیه 17 مهر نهضت آزادی نیز تکرار شده بود در سال های بعد به دست آویزی علیه نهضت آزادی تبدیل شد . مخالفان نهضت این عبارت و یا عبارت مترادف آن «گام به گام» را به عنوان دلیل سازشکاری نهضت آزادی و رهبران آن با رژیم شاه مطرح می کردند . و از آن چنان نتیجه می گرفتند که نهضت با سقوط شاه و رژیم شاهنشاهی مخالف بوده است.

تلاش نهضت آزادی در آن دوران نه جلوگیری از سقوط شاه بلکه کاستن از هزینه های مبارزه بود.

یکی دیگر از فعالیت های سران نهضت آزادی در مقطع قبل از پیروزی انقلاب که در سال های بعد حرف و حدیث های بسیار زیادی برای نهضت آزادی و سران آن را فراهم ساخت موضوع گفت وگو هایی بود که میان اعضای نهضت با برخی مقامات سفارت آمریکا در تهران و همچنین مقامات رژیم شاه انجام شد . در فاصله اردیبهشت تا بهمن 1357 از سوی سفارت آمریکا در تهران و نیز مقامات رژیم شاه برای متوقف کردن موج انقلاب اقدامات متعددی انجام گرفت . یکی از این اقدامات تماس با رهبران انقلاب در داخل و خارج ایران بود . تا پیش از تشکیل شورای انقلاب اسلامی این تماس ها با توجه به سابقه افراد صورت می گرفت . بعد از تشکیل شورای انقلاب این تماس ها جنبه گفت وگو و انتقال پیام از سوی مقامات رژیم سابق و یا مقامات سفارت خانه های غربی در تهران با رهبران انقلاب را پیدا کرد. در این دوره ملاقات هایی که مهندس بازرگان ، دکتر سبحانی ، مهندس محمد توسلی با مقامات مذکور به عمل آوردند عموماً با اطلاع و به نمایندگی از سوی اعضای شورای انقلاب که آیت الله مطهری در راس آن قرار داشت صورت می گرفت . بعد از اشغال سفارت آمریکا در تهران ، اسناد دیدارهای مهندس بازرگان و سایر اعضای نهضت بدون اشاره به نمایندگی آنها از سوی شورای انقلاب و به عنوان تماس های شخصی میان اعضای نهضت آزادی و مقامات سفارت آمریکا و به عنوان سند وابستگی آنها به امپریالیسم منتشر شد.

مهندس بازرگان در باره دیدارهای خود با مقامات رژیم شاه یا اعضای سفارت آمریکا در تهران می نویسد : " رجعت امام خمینی به تهران در 12 بهمن 57 بنا به تصمیم توام با تهور و توکل خود ایشان ... صورت گرفت ، متعاقب گفتگوها و زمینه سازی های چندین هفته ای بود که مابین اعضای شورای انقلاب آن زمان و دیگر دست اندرکاران بحث و بررسی می شد . ارتباط های خصوصی تری نیز به طور مستقیم و غیر مستقیم با دولت وقت ، ستاد ارتش ، ساواک و سفارتخانه ها برقرار بود تا این مرحله حساس و سرنوشت ساز انقلاب ما با موفقیت و خالی از خسارت و ضایعات انجام پذیرد. " (اطلاعات 18/11/1358)

دکتر سید محمد بهشتی نیز درباره اطلاع شورای انقلاب از این ملاقات ها گفت: "...من دوستانی را که با ماموریت از طرف شورای انقلاب با هایزر یا هر فرد خارجی دیگر ملاقات کرده باشند ، آنها را محکوم نمی دانم." (اطلاعات هفتگی 17-24 تیر 1360)

### نخست وزیر مهندس بازرگان:

مهندس مهدی بازرگان در 17 بهمن 1357 از سوی رهبر انقلاب به نخست وزیری منصوب شد . رهبر انقلاب در حکم انتصاب ایشان تاکید کرده بود که این انتصاب بدون توجه به وابستگی مهندس بازرگان به نهضت آزادی صورت گرفته و از ایشان خواست که در اداره دولت نیز این امر را لحاظ کند. به گفته مهندس بازرگان : " آقای خمینی راجع به وابستگی حزبی و این که نخست وزیر و وزرا نباید عضو هیچ حزب باشند و تصور تمایل و تبعیت ایشان از هیچ گروه و حزب پیش نیاید بیاناتی کردند... آقای خمینی گفتند خوب استعفا دهند... آقای طالقانی اشکال کردند که اگر بازرگان استعفا دهد همه می دانند که موسس و عضو علاقمند نهضت آزادی است... بالاخره قرار شد کسانی که هستند از مسئولیت و اشتغال ، فعالیت و

مشارکت در حزب خودداری کنند) و فقط ما شش نفر نهضتی ها دقیقا این شرط را رعایت کرده کلاه نهضت آزادی پس معرکه رفت!) " (جزوه شورای انقلاب و دولت موقت )

### دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی:

نهضت آزادی در حالی بعد از پیروزی انقلاب حیات جدید خود را آغاز کرد که هم در درون آن تحولات جدی و جدیدی رخ داده بود و هم در بیرون فضای سیاسی جامعه نسبت به سال های گذشته به طور اساسی تغییر یافته بود .

از یک سو بعد از شروع به کار دولت موقت ، مهندس بازرگان و آن عده از اعضای دولت که از رهبران و فعالان نهضت آزادی بودند از فعالیت های تشکیلاتی خودداری کردند .

از سوی دیگر پیش از پیروزی انقلاب جدای از رحیم عطایی که در سال 1355 در آمریکا فوت شد ، چند تن از فعالان نهضت از جمله احمد علی بابایی ، عباس شیبانی و عباس رادینا همکاری خود را با نهضت آزادی قطع کرده بودند و برخی نیز همچون آیت الله طالقانی، با توجه به استقبال مردمی از ایشان پس از آزادی قرار شد فرا حزبی عمل کنند اما ارتباط خود را در مقاطع لازم با نهضت حفظ کنند. بدین سبب نهضت آزادی با کاهش شدید از نظر نیروهای فعال تشکیلاتی رو به رو بود .

از سوی دیگر دیدگاه های نظری بنیان گزاران و عده ای از فعالان نهضت در سال 1357 نسبت به دوران تاسیس دچار تغییر شده بود. اشخاصی چون مهندس عزت الله سحابی که مدت هفت سال در زندان با مجاهدین خلق و فدائیان خلق محشور بود نگاه و تحلیلشان با بنیان گزاران نهضت به ویژه در خصوص اولویت توسعه سیاسی متفاوت شده بود. ( البته مهندس سحابی در دوره بعد تصریح کرد در برخی مواردی که با بازرگان اختلاف نظر داشت حق با بازرگان بود ). از سوی دیگر برخی چهره های جدیدی که در جریان وقایع منتهی به انقلاب و بعد از پیروزی به کشور باز گشته بودند نسبت به نیروهایی که در داخل کشور فعالیت داشتند از مواضع معتدل تری برخوردار بودند . این مساله موجب بروز اختلافات نظری در درون نهضت شد . به نوشته مهندس عزت الله سحابی که در آن دوره عضو هیات اجرایی نهضت آزادی بود : " در خلال آن بحث ها به این نتیجه رسیدیم که نهضت آزادی نسبت به سال های اولیه تاسیس خود با یک تحول و دگرگونی مواجه شده است . میان افراد و اعضای جدیدی که به ایران آمده بودند و گروهی که در داخل فعال بودند و برخی از آنها به زندان رفته بودند تفاوت هایی مشاهده می شد. تعبیر من از این تفاوت ها این بود که جریان موجود در نهضت آزادی به دلیل تنفس در دو فضای کاملا متفاوت به دو دیدگاه کاملا متفاوت رسیده اند . " ( سحابی ، 1392 : 108 ) در این میان مهندس بازرگان به دیدگاه دوم که از سوی اعضای جدید ابراز می شد گرایش داشت و همین مساله کفه ترازوی آنها را در داخل نهضت آزادی سنگین تر می کرد .

در این شرایط و در غیبت مهندس بازرگان و سایر اعضای که در دولت موقت مسئولیت داشتند ، جزوه تحلیلی از شرایط سیاسی کشور از سوی مهندس سحابی و چند تن دیگر از اعضای اصلی نهضت تهیه و توزیع شد . مطالب این جزوه از سوی جناح مقابل مورد قبول نبود . مهندس بازرگان در جلسه ای ضمن نقد آن گفت : " این جزوه روی هم رفته بد نیست ولیکن من بیشتر از نمره 12 نمی توانم به آن بدهم " ( سحابی ، همان : 103 )

در اواخر تابستان 1358 کنگره نهضت آزادی در باغ برادر آقای مهندس هاشم صباغیان در جاده کرج برگزار شد . در این کنگره هیات اجراییه جدید نهضت از سوی حاضران انتخاب شد و چون عزت الله سحابی بیشترین رای را در میان انتخاب شدگان داشت عملا به عنوان دبیر هیات اجرایی برگزیده شد.

### استعفای دولت موقت:

بعد از اشغال سفارت آمریکا در 13 آبان 1358 ، رهبر انقلاب با استعفای مهندس بازرگان از نخست وزیری که چهارمین استعفای وی بود موافقت کردند و بدین ترتیب مهندس بازرگان ، دکتر سحابی ، دکتر یزدی و دیگران امکان حضور بیشتر و موثر در نهضت آزادی را به دست آوردند .

کمتر از دو ماه بعد از کناره گیری بازرگان و هیات دولت وی ، عباس امیر انتظام که در ابتدای شروع به کار دولت موقت معاون نخست وزیر و سخنگوی دولت بود و چندی بعد به عنوان سفیر ایران در کشورهای اسکاندیناوی منصوب شده بود پس از احضار به تهران به جرم جاسوسی برای کشورهای بیگانه در 28 آذر 1358 بازداشت و زندانی شد. بازداشت امیر انتظام بر اساس سوءتعبیر و تفسیر از اسناد به دست آمده در سفارت آمریکا صورت گرفت. علاوه بر بازداشت امیر انتظام ، دانشجویان پیرو خط امام با بهره برداری از جو ضدآمریکایی و افشای گزینشی اسنادی از مذاکرات و گفت وگوهای انجام شده میان مهندس بازرگان ، دکتر سحابی و مهندس توسلی و برخی دیگر از اعضای نهضت آزادی با مقامات آمریکایی در تهران ، بازرگان و اطرافیان وی را نیز به هواخواهی از آمریکا و غرب متهم کردند . بعد از پخش یک مصاحبه تلویزیونی در این رابطه مهندس بازرگان در نامه ای که در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید به اتهامات مطرح شده پاسخ گفت . وی ضمن توضیح پیرامون دلایل آن ملاقات ها ، اطلاع مقامات شورای انقلاب از آنها را یادآور شد و گفت مذاکرات انجام شده با مقامات غربی و نیز مقامات رژیم شاه به منظور کاهش خسارات و تلفات و به منظور تسهیل انتقال قدرت و تغییر نظام صورت گرفته بود . عنوان نامه مهندس بازرگان چنین بود : " اگر اسم این ارتباطات جاسوسی است صاحب اختیارید" (اطلاعات 18 بهمن 1358) همچنین در بیانیه ای که در این باره از سوی نهضت آزادی منتشر شد چنین آمده بود: "آیا می توان جمعیتی را که به لحاظ سابقه مبارزاتی و اسلامی صادق ترین و سابقه دارترین گروه سیاسی موجود است را تنها با یک خبر نسنجیده و تفسیرهای غیر مرتبط لجن مال کرد... جمعیتی که آزاد مردانی چون طالقانی پایه گذار و معلم آن بودند و به نام و همراه با آن سال ها زندان را تحمل کردند ، جمعیتی که شریعتی ها و حنیف نژادها را در خود پرورش داد... ما به دانشجویان عزیز خط امام مستقر در لانه جاسوسی آمریکا هشدار می دهیم که به مقتضای آیه شریفه « ولا تقف ما لیس لک به علم ...» در انتشار و بیانات خود احساس مسئولیت اسلامی و انقلابی کنند که راه انتقام بی دلیل پیمودن جز تفرقه در صفوف ملت و گرم شدن بازار افترا و تهمت حاصلی ندارد...» (بیانیه نهضت آزادی ایزران -5 دی 1358)

### استعفا و جدایی:

در اواخر آذر 1358 سیزده نفر از اعضای قدیمی و با سابقه نهضت آزادی که با مهندس سحابی نزدیک بودند تصمیم به قطع رابطه خود با نهضت آزادی گرفتند و از عضویت در نهضت استعفا کردند. دلایل این جدایی را به دو دسته می توان تقسیم کرد .

دسته اول این دلایل اختلافات نظری جادشدگان با رهبری و نیروهای پیرو آنها بود . بخش دوم این دلایل استعفا و جدایی به اختلافات در امور روزمره و اجرایی باز می گشت.

در میان اعضای نهضت آزادی از همان ابتدای تاسیس دو گرایش تندرو و میانه رو وجود داشت. دانشجویان و نیروهای جوان تر عضو نهضت که در راس آنها افرادی همچون رحیم عطایی ، احمد علی بابایی ، عزت الله سحابی و عباس شیبانی قرار داشتند دارای تمایلات انقلابی و مهندس بازرگان ، دکتر سحابی و چند تن جمعی دیگر از تفکرات واقع گرایانه تر و ملایم تری برخوردار بودند .

بعد از قضایای 15 خرداد 1342 و بازداشت های قبل و بعد از محاکمه عده ای از رهبران نهضت آزادی این صف بندی ها در داخل نهضت ادامه یافت . اختلافات فکری در میان اعضای نهضت یکی بر سر مساله استبداد و استعمار و دیگری در زمینه اقتصادی و پیرامون سوسیالیسم و سرمایه داری بود . بعضی اختلافات جزئی دیگر نیز وجود داشت که از جمله آنها

حمایت از اقدامات جمال عبدالناصر رهبر مصر بود که مهندس بازرگان، دکتر سحابی و همفکران آنها نظر گروهی از جوانتر ها همچون عزت الله سحابی در موضوع پشتیبانی از ناصر را قبول نداشتند. در زمینه تقدم استعمار بر استبداد نیز نظرات جوان ها تقدم استعمار و امپریالیسم بر استبداد داخلی بود. در بیانیه استعفا در باره موضوع استعمار و استبداد چنین آمده بود: "تکامل نهضت ملی و ضد استعماری مصدقی در این بوده و هست که وجه ضد استعماری و ماهیت مکتبی به آن افزوده شود و این همان بود که جنبش ملی ایران از سال های 41 به بعد به تدریج به آن دست یافت ولی رهبران و پدران نهضت آزادی ایران را این اندیشه بوده و هست که بعد از مرحوم مصدق، نهضت فقط علیه استبداد داخلی جریان و تکامل یافته است و این دقیقاً خلاف مسیر واقعیت در جامعه ایرانی مسلمان بوده و هست" در حالی که مهندس بازرگان معتقد بود که این استبداد است که مبارزه با آن اهمیت و اولویت دارد. در زمینه اقتصادی نیز گرایش جوان ترها به سوسیالیسم بود در حالی که مهندس بازرگان سوسیالیسم را قبول نداشت. به گفته مهندس سحابی: "در آن زمان بزرگترهای ما و به ویژه مهندس بازرگان و دکتر سحابی برحسب سوابق، تربیت و اعتقادات و مطالعات خود، به آزادی اقتصادی معتقد بودند. در حالی که نیروهای جوانتر نهضت به اقتصاد رهبری شده و سوسیالیسم اعتقاد داشتند. (سحابی، 1388: 277) گرچه موضوع مورد اشاره سحابی به دهه 1340 بر می گردد ولی خود وی به باقی ماندن اختلاف نظر میان دو طرف نیز اشاره می کند. به گفته سحابی، مهندس بازرگان همواره به شوخی و جدی این مساله را یادآور می شد: "طرح این نظرات از سوی من باعث شده بود که مهندس بازرگان چه در هنگام سخنرانی و یا در بحث های خصوصی، گاهی به شوخی می گفت اگر من نظراتم را مطرح کنم مهندس سحابی به من خواهد گفت تو لیبرالی و این اصطلاح لیبرال از همان زمان در داخل نهضت هم مورد بحث و گفت و گو بود." (سحابی، پیشین: 278) به توصیه مهندس بازرگان، سحابی از همان دوران مطالعه بر روی مباحث اقتصادی و مسائل مربوط به سرمایه داری و سوسیالیسم را آغاز کرد.

اما بخش دوم اختلافات بر سر مسائل روز و امور جاری بود. از جمله موارد اختلاف موضوع انتصاب عباس امیرانتظام به سمت معاونت نخست وزیر و سخنگویی دولت موقت بود. مهندس عباس امیرانتظام از دوران نهضت مقاومت ملی و اوایل تاسیس نهضت آزادی ایران با مهندس بازرگان آشنا بود و همکاری داشت. وی بعد از 15 خرداد 1342 به آمریکا رفت و بعد از چندی به ایران بازگشت، ولی حضور آشکاری در عرصه سیاسی نداشت. قشر جوانتر و تندتر نهضت آزادی به این امر اعتراض داشتند. بعد از آن که انتقادات این عده به مهندس بازرگان مفید فایده واقع نشد و مهندس بازرگان در یک سخنرانی که از رادیو و تلویزیون نیز پخش شد از امیرانتظام دفاع کرد، معترضان با انتشار یک بیانیه موضوع را در سطح جامعه پخش کردند. به نوشته محمد مهدی جعفری: "پس از مشورت با آیت الله طالقانی ما بار دیگر بیانیه ای در نقد عملکرد امیرانتظام با امضای نهضت آزادی ایران صادر کردیم و در آن گفتیم ... در نهضت مقاومت ملی و نهضت آزادی ایران فعالیت چندانی نداشته و در حال حاضر نیز اصلاً فرد مناسبی برای سخنگویی دولت انقلاب نمی باشد." (جعفری، 1389، جلد 2: 498) این مخالفت ها در داخل نهضت و نیز در خارج از آن موجب شد تا مهندس بازرگان، امیر انتظام را از سخنگویی دولت کنار گذاشت. از سوی دیگر در 27 مهر 1358 ملاقات مهندس بازرگان به همراه دکتر ابراهیم یزدی و دکتر چمران با برژینسکی مشاور امنیت ملی رییس جمهور آمریکا در داخل و خارج از نهضت سرو صدای زیادی ایجاد کرد. در درون نهضت عزت الله سحابی به همراه چند تن دیگر از بی خیری خود از برنامه دیدار مهندس بازرگان گله مند شده و شدیداً به این امر اعتراض کردند. اما تیر خلاص جدایی بعد از استعفای دولت موقت و کناره گیری مهندس بازرگان و اعضای نهضت از کار اجرایی کشور زده شد. چنان که در پیش گفته شد در دورانی که دولت موقت بر سر کار بود، کارهای تشکیلات نهضت آزادی به دست نیروهای جوانتر اداره می شد. مهندس سحابی مسئول تشکیلات هیئت اجرایی نهضت و محمد مهدی جعفری مسئول آموزش بودند. سایر امور هم به دست دیگر اعضای نهضت قرار داشت و اعضای کابینه دولت موقت مسئولیتی در داخل نهضت نداشتند. مهندس بازرگان و سایر اعضای نهضت بعد از استعفای دولت موقت، فعالیت های تشکیلاتی خود در نهضت را از سر گرفتند. به گفته محمد مهدی جعفری برای حل مساله و جلوگیری از تداخل

اعضا در اداره تشکیلات بحث و گفت وگویی زیادی میان دوطرف صورت گرفت ولی به دلیل اختلاف در برخورد با مسائل این گفت وگوها به نتیجه نرسید: "حدود یک ماه بحث و مجادله طول کشید. اواسط آذر 1358 بود اختلافات در داخل کادر نهضت آزادی ایران میان ما و آنها روز به روز بیشتر می شد. دیدگاه ما در باره سیاست داخلی، سیاست خارجی، انقلاب و خیلی قضایای دیگر به کلی با آنان متفاوت بود." (جعفری، جلد 2: 501)

سرانجام با توجه به اختلافاتی که از پیش وجود داشت، گروه جوانترها تصمیم به استعفای از نهضت آزادی گرفتند. دکتر حسن حبیبی، محمود احمدزاده هروی، علی دانش منفرد، محمد علی رجایی، حسن عربزاده، اسماعیل ناطقی، همایون یاقوت فام، محمد بسته نگار، کریم خدایناهی، محمد مهدی جعفری، عبدالعلی اسپهبدی، خانم انسیه مفیدی، فریدون سبحانی و مهندس عزت الله سبحانی افرادی بودند که استعفای خود را به شورای نهضت اعلام داشتند.

عزت الله سبحانی درباره استعفای خود و همراهانش می نویسد: "در درون نهضت تفاوت هایی مشاهده می شد که... به دلیل رشد کردن در دو فضای مختلف میان دو جریان به وجود آمده بود. افراد جدید که عموماً در فضای باز و آزاد خارج از کشور پرورش یافته بودند تا حدودی لیبرال تر و محافظه کارتر و افرادی که در داخل کشور با توجه به جو استبداد و خفقان آن سالیان را گذرانده بودند بالنسبه رادیکال تر شده بودند. در این میان عده ای هم بودند که به دنبال دسته بندی و صف بندی در میان نیروهای نهضت بودند... این اختلاف من را تحت تاثیر قرار داد و موجبات کنار کشیدن من را فراهم آورد. پرداختن به درگیری های داخلی برای ما صحیح نبود و من قرار گرفتن در مقابل دوستان داخلی اعم از جدید و قدیم را به صلاح نمی دانستم" (سحابی، 1392: 110).

اعلام استعفای از نهضت با انتشار اسناد سفارت آمریکا در رابطه با ملاقات های اعضای نهضت با مقامات سفارت آمریکا همزمان شد. به نوشته عزت الله سبحانی به دلیل جوی که علیه نهضت آزادی و سران آن ایجاد شد، امضا کنندگان بیانییه استعفا، آن را علنی نکردند و حتی برخی همچون خود وی علی رغم استعفا به فعالیت در داخل نهضت ادامه دادند و متن بیانییه نهضت آزادی در ارتباط با اقدام دانشجویان پیرو خط امام به قلم او نوشته شد.

### نهضت آزادی و مساله انتخابات:

نهضت آزادی در انتخابات برای تعیین نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی به طور مستقل شرکت و در تهران وبسیاری از استان های کشور اقدام به معرفی نامزدهای مورد نظر خود کرد. ولی نامزدهای معرفی شده از سوی نهضت به جز نامزدهای مشترک با فهرست ائتلاف بزرگ در راه یابی به مجلس خبرگان موفق نبودند.

در جریان انتخابات اولین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، نهضت آزادی در ابتدا تصمیم به نامزدی مهندس بازرگان داشت که با این نظر موافقت نشد. در گام بعدی تصمیم به معرفی عزت الله سبحانی گرفته شد که این تصمیم نیز با مخالفت شخص سبحانی روبه رو شد. در نهایت با پیشنهاد عزت الله سبحانی، نهضت آزادی دکتر حسن حبیبی را به عنوان نامزد خود در انتخابات معرفی کرد. حبیبی در آن انتخابات بعد از بنی صدر و تیمسار احمد مدنی و با اختلاف زیاد سوم شد.

در انتخابات اولین دوره مجلس شورای ملی در اسفند 1358 نهضت آزادی به همراه جاما و جنبش مسلمانان مبارز با انتشار فهرستی به نام «همنام» در تهران و برخی دیگر حوزه ها شرکت کرد. در آن انتخابات به رغم تبلیغات شدید علیه نهضت آزادی از سوی همه جناح های سیاسی کشور اعم از درون و بیرون حاکمیت، دوازده نفر از نامزدهای معرفی شده از سوی نهضت آزادی در تهران به مجلس راه یافتند که از این عده پنج نفر عضو فعال و سه نفر نیز از اعضای سابق آن بودند.

در مجلس شورای ملی که بعد از دوماه به مجلس شورای اسلامی تغییر نام داد، نمایندگان عضو نهضت آزادی به همراه عده ای از نمایندگان مستقل فراکسیون اقلیت را تشکیل دادند که البته چندان منسجم و یکپارچه نبود.

در جریان اختلافات میان بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی، مهندس بازرگان و دوستان همفکرش که در ابتدا سعی در برکنار داشتن خود از این نزاع داشتند عملاً به سمت تقابل با حزب جمهوری اسلامی کشیده شدند.

### سال پرماجرا:

در 16 فروردین 1360 دکتر رضا صدر مدیر مسئول روزنامه میزان ارگان نهضت آزادی از سوی دادستانی انقلاب بازداشت شد. بازپرس شعبه سوم دادگستری در باره دلایل توقیف مدیر مسئول روزنامه میزان گفت: "بازداشت آقای صدر مدیر مسئول روزنامه میزان به خاطر اهانت به مقامات و ایجاد جو تشنج صورت گرفته به تحکیم مبانی اجتماع کمک می کند... موارد متعدد دیگری هم هست" (اطلاعات، 18 فروردین 1360) با اوج گیری اختلافات میان ابوالحسن بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی و حمایت نیروهای سیاسی از دو طرف دعوا، مهندس بازرگان تلاش کرد تا با میانجی گری دو طرف را از درگیری باز دارد. در 12 اردیبهشت 1360 نامه ای از سوی مهندس بازرگان با عنوان «به فرزندان انقلابی و مکتبی ام» در روزنامه ها منتشر شد. در آن نامه بازرگان نیروهای عضو سازمان مجاهدین خلق و نیروهای حزب اللهی و هوادار جمهوری اسلامی را برادران یکدیگر و فرزندان انقلابی و مکتبی خود خطاب کرده و از آنها خواسته بود تا به درگیری های خود پایان دهند. این نامه اثری در اصلاح وضعیت نکرد. تنها اثر آن بود که تا سال ها بعد از سوی طرفداران نظام، مهندس بازرگان به دلیل آنکه اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق را فرزندان مکتبی و انقلابی خود خوانده بود شمامت شد.

در خرداد 1360 بعد از مرتد خواندن جبهه ملی ایران از سوی رهبر انقلاب، ایشان از نهضت آزادی ایران خواستند تا موضع خود را در قبال لایحه قصاص و موضع جبهه ملی روشن کنند. متعاقب آن نهضت آزادی با انتشار بیانیه ای در این مورد اظهار نظر کرد. در اطلاعیه نهضت آزادی در این باره آمده بود: "نهضت آزادی ایران به حکم اعتقاد به مبانی اندیشه اسلامی، قصاص را از امور ضروری اسلام می داند و از آنجا که بارها در طول عمر مبارزات و فعالیت های اسلامی خود این اعتقاد را عملاً نشان داده هرگز انتظار آن را نداشته است که با چنان سوابق روشنی احتیاجی باشد درباره هر یک از مسائل اساسی اسلامی جداگانه اعتقادات خود را بیان کند. اما در مورد اجرای حدود اسلام، ما هم نظیر برخی از علمای عظام اعتقاد داریم که بایستی شرایط و مقدمات اولیه برطبق ضوابط اسلامی و به دنبال اجرای اسلام در تمامیت آن تحقق پیدا کند. بیان امام در این مورد به حد کافی رسا و گویا می باشد:

«اجرای حدود در اسلام موکول به تحقق شرایط و مقدمات بسیار است و باید جهات بسیاری را از روی کمال عدالت و توجه به اینکه اسلام در کلیت خود اجرا گردد در نظر گرفت. اگر این امور در نظر گرفته شوند ملاحظه خواهد شد که مقررات اسلامی کمتر از هر مقررات دیگری خشونت آمیز است.» (امام خمینی، مصاحبه با گاردین، آبان ۵۷ - پاریس)

در مورد لایحه پیشنهادی قصاص که توسط شورای عالی قضایی به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است شك نیست که باید مراحل قانونی آن برطبق اصول مصرحه در قانون اساسی طی شود. (اطلاعیه نهضت آزادی ایران 1360/03/27)

به عبارت دیگر نهضت آزادی در چارچوب ادله حقوقی و فقهی به دو دلیل، مخالفت خود را با لایحه قصاص علناً ابراز داشت: نخست به جهت آن که حتی بنا بر نظرات معتبر فقهی، مقدمات و زیرساخت های اجرایی آن وجود ندارد و پیش بینی کرد که اجرای این قانون به رغم وعده های رهبری انقلاب، در عمل به خشونت می انجامد و دوم آن که طرح این لایحه در چارچوب قانون اساسی انجام نشده است.

در جریان خلع بنی صدر از ریاست جمهوری نمایندگان عضو نهضت آزادی ایران در مجلس از رای به عدم صلاحیت بنی صدر خودداری کردند.

بعد از وقایع خرداد 1360 نهضت آزادی ایران تلاش کرد تا با حفظ مواضع خود از جانبداری از هریک از طرفین ماجرا خودداری کند. به همین دلیل از سوی هردو طرف قضیه مورد انواع و اقسام حمله ها اعم از تبلیغاتی و غیر آن قرار گرفت. سازمان مجاهدین خلق، بازرگان و نهضت آزادی را به حمایت از جمهوری اسلامی و تائید سیاست های آن متهم می کرد. در داخل نیز بازرگان و دوستانش که تا سال 1363 در کسوت نمایندگی مردم در مجلس حضور داشتند به عنوان حمایت از تروریسم و مجاهدین مورد انواع و اقسام حملات و برخوردها قرار داشتند. این حملات نه تنها از سوی نیروهای تندرو و میان شرکت کنندگان نماز جمعه که فریاد مرگ بازرگان سر می دادند بلکه در روزنامه ها و از جمله در روزنامه اطلاعات و کیهان و به قلم کسانی همچون سید محمد خاتمی و عطاء الله مهاجرانی انجام می گرفت. مهندس بازرگان بعد از تظاهرات مسلحانه مجاهدین خلق در تاریخ مهر 1360 در یک سخنرانی در مجلس شورای اسلامی دو طرف درگیری را به کنار گذاشتن رویه موجود دعوت کرد. بازرگان در آن سخنرانی از جمله گفته بود: "البته خطاب من به هردو طرف دعوا است و آن چه می جویم نجات مملکت، پیروزی جمهوری اسلامی ایران و اعتلای اسلام است... خیلی بی انصافی و بی خبری می خواهد که به یاران طالقانی و مطهری و به دوستان نهضت آزادی نسبت لیبرالیست و سازشکار یا غریزه و آمریکایی بدهند! مبارزه مسلحانه و محاربه با جمهوری اسلامی نوپای ایران به جای مبارزه پارلمانی و قانونی را محکوم می کنم ضمن آن که جلوگیری از آزادی های حق و فقدان امنیت لازم برای مبارزه قانونی را یکی از علل این پیش آمدها می دانم. به فرض که از راه های مشروع و قانونی و امنیت قضایی برای انتقاد و اعتراض و اظهار نظر و به کرسی نشاندن حق محروم باشیم بازهم در عالم برادری ملی و دینی بر طبق سنت و عقیده و تاسی بر فرزند صالح پدرمان آدم که به برادرش گفت: «لئن بسطت الی یدک لتقتلنی ما انا بباسط یدی الیک لاقتلک انی اخاف الله رب العالمین» بر تجاوز مسلحانه و تلافی های ناچارانه یا فرار و تشکیل دولت در کشور بیگانه را که هرچه باشد به نام و نفع آنها تمام خواهد شد ترجیح می دهم... از این تربیون از رهبر عالیقدر انقلاب مراجع عظام، رئیس جمهور، هیات دولت و نهادهای انقلاب، شورای نگهبان، شورای عالی قضایی و مخصوصا از برادران و خواهران نمایندگان مجلس و همه گروه ها و مردم ایران استمداد می کنم که از هر راه که می توانند به این بلیه بزرگ پایان دهند. در کجای تاریخ، ملتی و دولتی و آیین حقی توانسته است روی اسلحه دوام بیاورد و توسل به خونریزی و تشدید در خشونت و بال روزگارشان نگردیده، بدفترجانی به بار نیآورده است؟" (کیهان-1360/7/26)

سخنرانی مهندس بازگان به دلیل اعتراض و فریادهای نمایندگان مخالف نیمه تمام خاتمه یافت. و فضای بسیار تنیدی را علیه وی و سایر اعضای نهضت آزادی در داخل و بیرون مجلس به وجود آورد. عصر آن روز عده ای در اعتراض به سخنان وی در مقابل مجلس اجتماع کرده و علیه بازرگان و سایر همفکران ایشان شعار دادند.

سید محمد خاتمی که خود نماینده مجلس و در عین حال سرپرست موسسه کیهان بود در مقاله ای در روزنامه کیهان به شدت بازرگان را مورد حمله قرار داد. مدیر مسئول کیهان طی سه شماره به تفصیل مواضع بازرگان را نقد کرد. بعد از آن هم ضمن چاپ متن سخنرانی بازرگان و پاسخ مهندس بازرگان به مقالات وی، بار دیگر به نقد بازرگان جواب داد. خاتمی از جمله در نقد بازرگان چنین نوشته بود: "آقای بازرگان ضمن تاسف از خون هایی که ریخته می شود... به دفاع از جوانان جانباز و نونهالانی برخاسته اند که جگرگوشگان و امید مملکت هستند به همان نظم و نسق که در بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیسم خبری می شنویم و بدین ترتیب از کسانی دفاع به عمل می آید که خشن ترین شکل آشوب را به فرمان رهبران خائن و فراری خود در متن انقلاب ناب و منحصر به فرد ایران برپا می کنند... طنز آقای بازرگان آنجا که از انتساب آشوبگران به آمریکا بر می آشوبند خود حکایتگر نوعی نگرش آمریکایی به مسائل است..." (کیهان 1360/7/18)

عطاء مهاجرانی نیز که در آن زمان نماینده مجلس بود چندی بعد در روزنامه اطلاعات نوشت: "امروزه در مسجد و مدرسه ، در کوچه و بازار ، در عزا و عروسی شعار «مرگ بر باز...» شنیده می شود . و بازرگان امروزه آخرین تقلای یک جنازه سیاسی است که روحش در پاریس دیوانه و آواره است. «مرگ بر باز...» شعار توده ای ها نیست والا به قول مجید انصاری این مملکت سی میلیون توده ای دارد. بختک توده - نفتی مشکل نهضت آزادی را حل نمی کند . مشکل نهضت آزادی مشکل خر لنگی است که عقب قافله مانده و مدعی قافله سالاری است . مشکل آنها از دست دادن مواضع قدرت است که شیرینی اش زیر دندان ایشان مانده . از زمان سقوط دولت موقت - بگذریم از این که تصور می کردند که می مانند و استعفایشان در واقع نمایش قدرت بود و باز و کرشمه های نه نمی خواهم می خواستند مواضعشان را مستحکمتر نمایند..." ( اطلاعات ، 1360 10/17)

بعد از خرداد 1360 نهضت آزادی با محدودیت های متعددی برای فعالیت رو به رو شد . روزنامه میزان ارگان نهضت آزادی ایران در 17 خرداد 1360 از سوی دادستانی انقلاب تعطیل شد .

حمله به دفتر نهضت آزادی و بر هم زدن مراسم و جلسات ، توهین و شعار علیه نمایندگان عضو نهضت در مجامع مختلف در طول دهه شصت از جمله فشارهایی بود که در طول این سال ها علیه نهضت و اعضای آن انجام می شد. در این دوره علاوه بر حملات تبلیغاتی در روزنامه ها ، رهبران نهضت آزادی در معرض فشارهای دیگر نیز قرار داشتند . از جمله هر از چند گاه در محافل و مجالس مختلف و از جمله در نمازهای جمعه و نیز در مجلس شورای اسلامی هدف شعارهای مخالفان قرار می گرفتند . به نوشته هاشمی رفسنجانی در روز 29 فروردین 1361: "امروز پاسداران مجلس هنگام ورود نمایندگان متهم به لیبرالیسم شعار مرگ بر آمریکا داده بودند. آنها از این وضع ناراحت بودند و ظهر دکتر سامی، دکتر سبحانی و مهندس صباغیان آمدند و از من چاره جویی کردند." (هاشمی رفسنجانی، 1380: 67) وی همچنین در این باره در نوشته های روز 21 اردیبهشت خود می نویسد: "ظهر مهندس بازرگان و دکتر یزدی آمدند و از فشار حزب الله بر آنها گلّه داشتند و چاره جویی می کردند . گفتیم مردم شما را همکار بنی صدر و منافقین می دانند و طبعاً عکس العمل نشان می دهند . شما اگر به راستی جمهوری اسلامی را قبول دارید و آنها را قبول ندارید موضع گیری کنید والا کاری نمی توانیم بکنیم. " (پیشین، 101) در دوم آذر 1361 نهضت آزادی در نامه ای به روزنامه جمهوری اسلامی با اشاره به این حملات خواستار پاسخگویی به این حملات تبلیغی و مطالب روزنامه ها شد . در آن نامه به 16 مورد از مطالب مندرج در «روزنامه اشاره شده بود .

در این میان علاوه بر برخوردهای بالا ، گاهی کار به برخوردهای فیزیکی نیز کشیده می شد. از جمله این موارد زد و خوردی بود که در مجلس شورای اسلامی و به هنگام ایراد نطق پیش از دستور هاشم صباغیان رخ داد . روز دهم آبان ۱۳۶۲ در نیمه سخنرانی مهندس صباغیان ، چند تن از نمایندگان مجلس به وی حمله ور شدند . دفاع علی اکبر معین فر از صباغیان و ورود چند تن دیگر به کارزار موجب مجروح شدن صباغیان و معین فر شد . هاشمی رفسنجانی رییس مجلس که اداره جلسه را برعهده داشت در خاطرات خود در این باره نوشت: "در جلسه علنی آقای صباغیان در نطق پیش از دستور با مظلوم نمایی جریان برخورد روز جمعه را گفت و آخر صحبت او آقای قره باغ دخالت کرد و دعوایشان شد . به کتک کاری رسید . تریبون را قطع کردم و پخش از رادیو قطع شد . آقایان معین فر و صباغیان را به اتاقی منتقل کردند و تحت حفاظت گرفتند." (هاشمی رفسنجانی ، 1381: 360) هاشمی رفسنجانی بعد از آن واقعه در سخنرانی در جمع سفرا و کارداران ایران و دو روز بعد در نامه ای مسئولیت این اتفاقات را برعهده نهضت آزادی انداخت و از جمله گفت: "نهضت آزادی که فکر می کند در انتخابات رای کافی ندارد و شکست می خورد به حیلۀ ای دست زده است. مدتی پیش آقای مهندس بازرگان ضمن صحبت هایشان که مستقیماً از رادیو پخش می شد مطرح کردند که در ایران آزادی وجود ندارد. اگر در ایران آزادی نبود که اجازه نمی دادند فرد مخالفی مستقیماً از رادیو حرف بزند." (هاشمی رفسنجانی، پیشین: 360)



علاوه بر برهم زدن جلساتی که در محل دفتر نهضت برگزار می شد، از سوی نیروهای موسوم به نیروهای خودسر هرگونه مراسم دیگر نیز با این تهاجمات مواجه می شد. از جمله می توان به برهم زدن مراسم ختم استاد محمد تقی شریعتی در مسجد ارک تهران اشاره کرد. در اردیبهشت 1365 چند تن از رهبران و اعضای نهضت به هنگام بازگشت از حضور بر سر مزار آیت الله طالقانی در حوالی بهشت زهرا توسط عده ای ربوده شدند. در آن روز اعضای نهضت توسط مهاجمان مورد ضرب و شتم و تهدید قرار گرفتند. نهضت آزادی در اطلاعیه مورخ 28 اردیبهشت 1365 ضمن تشریح ماجرای آدم ربایی و ضرب و شتم اعضا و رهبران خود خواهان رسیدگی به ماجرا از سوی مقامات مسئول شد.

در سال 1364 صلاحیت مهندس بازرگان برای نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری از سوی شورای نگهبان رد شد.

### نهضت آزادی و مساله جنگ:

بعد از حمله ارتش متجاوز عراق به خاک ایران، نهضت آزادی با صدور اطلاعیه ای ضمن محکوم کردن تجاوز عراق، بر مقاومت تا آزادی مناطق اشغالی و عقب راندن متجاوز با تکیه بر وحدت و انسجام تمام نیروها تاکید کرد. در بخشی از این اطلاعیه آمده بود: "فاکاری ها و جانفشانی های برادران ارتشی و ژاندارم و سپاه پاسداران ... نشان داد که وقتی پای حیثیت اسلامی و شرف ملی و تمامیت ارضی و سرنوشت انقلاب در پیش است مردم هرگونه اختلاف و دلگیری و حساب های شخصی را به یک سو می نهند و زیر بار ذلت قبول سلطه اجانب نمی روند و یک صدا باهم در می آمیزند و بنیان خصم تجاوزگر بر می اندازند... به امپریالیسم و صهیونیسم جهانی که چشم طمع به خاک ما دوخته اند نشان دهیم که ما از جان خود می گذریم و تمام شداوند و ناملایمات کمیاب حاصله از جنگ را با صرفه جویی های آگاهانه تحمل می کنیم ولی از آزادی و استقلال و جمهوری اسلامی خود نمی گذریم. هیئات من الذله..." (نهضت آزادی ایران 14 مهر 1359)

موضع نهضت آزادی تا خرداد 1361 و آزاد سازی خرمشهر و بخش وسیعی از مناطق اشغال شده بر دفع تجاوز و حمایت از ادامه جنگ بود.

ولی از آن به بعد تا پایان تیرماه 1367 و قبول قطعنامه سازمان ملل از سوی ایران، در مقاطع مختلف و از طریق صدور بیانییه، مصاحبه، سخنرانی و ارسال نامه های محرمانه و سرگشاده به رهبر انقلاب و سایر مقامات مسئول کشور خواستار پایان بخشیدن به جنگ شد. در قطعنامه صادره از سوی کنگره پنجم نهضت آزادی که در اسفند 1361 برگزار شد در باره ضرورت پایان بخشیدن به جنگ آمده بود: "به موجب آیه کریمه «و عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم و عسی ان تحبوا شیئا و هو شر لکم»، نهضت آزادی ایران، ضربه اولیه ناجوانمردانه ارتش عراق را مصداق «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد» تلقی نموده، همواره از خونسردی، توکل و تصمیم مسؤولین و از شهادت ارتشیان و شجاعت های پاسداران و نیروهای مردمی (بسیج) تجلیل کرده پایداری و پیروزی رزمندگان را که برجسته ترین افتخار و امید تاریخ ایران می باشند آرزو نموده است. در عین حال... به مصداق آیه کریمه «و ان جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی الله انه هو السميع العليم» از فرصت های مناسبی که برای اتخاذ و اعمال خط مشی های مؤثر جهت ختم موفقیت آمیز جنگ فراهم شده بود استفاده کرده و مطابق مصالح و منافع ملت ایران اقدام نماید. اما به دلیل ارزیابی های غیر واقع بینانه و رویدادهای بعدی به طور مناسب از آن شرایط و فرصت ها استفاده نشده است... نهضت آزادی عقیده دارد با توجه به این که خداوند حکیم رحیم برای بندگان، پس از پیروزی و خاموشی فتنه، خواهان سلامت و صلح و امنیت و محیط سازندگی و برکت است چنانچه هنوز هم شرایط مساعد و به سود ایران باشد اقدام عاجل، شرافتمند و حق طلبانه ای برای سرفراز بیرون آمدن از این ابتلای الهی صورت گیرد." (بند 8 قطعنامه کنگره پنجم نهضت آزادی - اسفند 1361)

به گفته دکتر ابراهیم یزدی، نهضت آزادی به تفکیک میان ارزش و جایگاه رزمندگان دفاع مقدس و ادامه جنگ از یکدیگر معتقد بود. "نهضت آزادی ۶۳ سند درباره جنگ دارد که در همه آنها دو موضوع را از هم تفکیک کرده ایم؛ یکی

مخالفتان با ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر است و دیگری حمایت بی‌دریغ از رزمندگان که با تمام قدرتشان به جنگ رفتند. ، (سایت تاریخ ایرانی -1393)

یک سال بعد از قطعنامه کنگره پنجم، مهندس بازرگان در نامه محرمانه ای به رهبر فقید انقلاب ضمن تاکید بر موضع فوق یادآور شد: "بدیهی است آن زمان که صدام دیکتاتور عراق در تاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۵۹ تجاوز آشکار به مرز و بوم و به جان و مال ما کرد، وظیفه انقلابی و قانونی همگی و بالاتر از آن حکم خدا این بود که با تمام نیرو تا آخرین نفر و نفس جنگیم... آن کارزار، قتال فی سبیل الله بود، برای دفاع از آدم‌ها، از آب و خاکمان، و خداوند رحمان علیم قدیر، علیرغم قلت عدد و نابرابری نیروها، نصرتمان داد تا آنجا که دشمن با خواری و پشیمانی راه فرار اتخاذ کرد و زبان به تسلیم و تمنا گشود. اما مجوز ادامه جنگ و تجاوز به داخل عراق (که در ابتدا خود جنابعالی، آن طور که در ایام تخلیه خرمشهر از آقای هاشمی رفسنجانی شنیدم، آن را مصلحت و حق نمی‌دانستید) با شعار سقوط صدام و حزب بعث و تعرض‌های دیگر، برای ما روشن نیست... در عین حال باید بگوییم که اختلاف نظر ما در این مسائل موجب آن نیست که علم مخالفت در مقابل جنگ اسلامی برافراشته و آب به آسیاب دشمنان بریزیم. هدف نصیحت ائمه مسلمین است و توصیه به حق..." (اسناد نهضت آزادی ایران-سال 1362)

نهضت آزادی این موضع را تا پایان جنگ چندین بار دیگر تکرار کرد. که از جمله آنها می‌توان به درخواست تشکیل جلسه علنی مجلس در 23 اسفند 1361، نامه مورخ 5 اردیبهشت 1364 به ریاست جمهوری وقت، پاسخ به مقالات منتشره در روزنامه اطلاعات در مهر 1364، نامه به رهبر فقید انقلاب در شهریور 1365 و نیز بیانیه اردیبهشت 1367 اشاره کرد. آخرین تحلیل نهضت آزادی چهار روز قبل از قبول آتش بس از سوی ایران منتشر شد. در آن بیانیه آمده بود: "نهضت آزادی... معتقد و مصر به دفاع از کشور در برابر هر تهاجم و تجاوز بوده، وظیفه همگان و خود می‌داند که در چنین صورت با همکاری و فداکاری و یکپارچه، به خاطر دنیا و آخرتمان تا آخرین نفر و نفس در برابر تجاوز به خاک و خانه و شرفمان بایستیم... از مقامات تصمیم گیرنده مصرأ می‌خواهد که در سیاست و روش گذشته تجدید نظر عمیق کنند، به امانتهای الهی و وعده‌های داده شده احترام بگذارند و به جای روشها و سیاستهای تجربه شده و شکست خورده و به جای تدارك جنگ همه جانبه از شعارهای جنگ طلبانه (و استفاده از جنگ برای تثبیت قدرت خود) دست برداشته و بحران سیاسی خطرناک کنونی را با تمکین به قانون اساسی تخفیف بخشند. با ایجاد جو سیاسی حاکمیت ملی و تحمل و با سعه صدر اسلامی شرایط لازم برای مشارکت همه اقشار ملت را در مقابله با خطرات تجاوز و تجزیه فراهم سازند." (نهضت آزادی ایران -اسناد سال 1367)

این نامه ها و اعلامیه ها به شدت با مخالفت مقامات نظام رو به رو شد و نه تنها در زمان ادامه جنگ بلکه حتی بعد از پذیرش قطعنامه آتش بس، همواره از سوی مقامات جمهوری اسلامی به عنوان سند خیانت نهضت آزادی به کشور مورد تخطئه قرار گرفت. یکی از دلایل و استنادات مقامات نظام در محکومیت اعضای نهضت آزادی چه در محاکم دادگاه ها و چه در اظهار نظرهای علنی در رسانه ها، مخالفت آنها با ادامه جنگ عنوان شد.

### جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران:

در سال 1363 مهندس بازرگان پس از رد صلاحیت در انتخابات ریاست جمهوری، با توجه به موانعی که بر سر راه فعالیت نهضت بود تصمیم گرفت تا جمعیت جدیدی را تاسیس کند. این تشکل، جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران نامیده شد. در تاسیس جمعیت دفاع از آزادی، عده ای از اعضای نهضت آزادی ایران به همراه تئو چند از اعضای جبهه ملی ایران همچون علی اردلان، حسین شاه حسینی، دکتر نورعلی تابنده، مهندس نظام الدین موحد و افراد مستقل دیگری با مهندس بازرگان همراهی و همفکری داشتند.

اما این جمعیت هم بعد از سه سال فعالیت ، غیر قانونی اعلام و از فعالیت آن جلوگیری شد. عده ای از اعضای آن واز جمله چند تن از اعضای نهضت آزادی همچون هاشم صباغیان ، خسرو منصوریان، علی اصغر غروی و محمد توسلی و دیگران بازداشت و مدتی را در زندان به سر بردند .

از آن زمان تا درگذشت مهندس بازرگان ، نهضت آزادی به فعالیت های توضیحی و تبلیغی خود همچون گذشته ادامه داد.

در خرداد 1369 تحلیلی پیرامون شرایط سیاسی - اقتصادی روز به امضای نود نفر از فعالان سیاسی منتشر شد. در انتشار این نامه مهندس بازرگان ، دکتر سحابی و دوستانشان نقش اساسی را برعهده داشتند . بعد از انتشار نامه بیست و چهار نفر از امضا کنندگان نامه از سوی وزارت اطلاعات بازداشت شدند . ولی مهندس بازرگان و دکتر سحابی جزو بازداشت شدگان نبودند . در آن بازداشت ها 9 نفر از اعضای نهضت آزادی از جمله محمد توسلی، هاشم صباغیان، عبدالعلی بازرگان، خسرو منصوریان، رضا صدر، حسین بنی اسدی و محمود نعیم پوراز جمله اعضای بازداشت شده عضو نهضت بودند.

مهندس بازرگان در 29 دی 1373 بر اثر بیماری قلبی در راه سفر به آمریکا برای معالجه بیماری قلبی در سوییس در گذشت . جنازه مهندس بازرگان بعد از انتقال به ایران از حسینییه ارشاد بر دوش طرفداران و علاقمندان به وی تشییع شد و بعد از آن به قم منتقل و در آرامگاه خانوادگی به خاک سپرده شد.

## 1373- 1388:

بعد از درگذشت بازرگان، شورای عالی نهضت دکتر یدالله سحابی را به عنوان دبیرکل انتخاب کرد ولی با امتناع ایشان از پذیرش این پست و به پیشنهاد خود وی دکتر ابراهیم یزدی به عنوان دبیر کل نهضت انتخاب شد .

این تحول در درون نهضت با تغییر نسبی فضای سیاسی ایران در اواخر دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی همراه بود. به همین سبب مواضع و فعالیت نهضت آزادی نیز به تبعیت از فضای عمومی کشور با تحول رو به رو شد . در انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی عده ای از اعضای نهضت آزادی و نیز نیروهای نزدیک به آن برای شرکت در انتخابات ثبت نام کردند ولی صلاحیت اکثریت آنها رد شد و تنها آقایان ابوالفضل بازرگان و حسن فرید اعلم نامزهای عضو نهضت تائید صلاحیت شدند . به دنبال آن ، این دو نفر به همراه محمد بسته نگار با صدور اطلاعیه ای از شرکت در رقابت های انتخاباتی انصراف دادند . نهضت آزادی نیز با صدور اطلاعیه ای عدم مشارکت خود در انتخابات را اعلام داشت . در بیانیه تحلیلی نهضت آزادی در باره علل ورود اتخاذ این تصمیم آمده بود : " نهضت آزادی ایران برای اتمام حجت با حاکمیت تصمیم گرفت که با حداقل امکانات، تبلیغات انتخاباتی را در مورد دو عضو خود شروع کند و به این منظور، از وزارت کشور درخواست اجازه برگزاری گردهمایی عمومی از مردم در سه نقطه تهران (صحن چمن دانشگاه تهران، ورزشگاه شیروودی، ورزشگاه 22 بهمن در اسلامشهر) را نمود. اما متأسفانه وزارت کشور درخواست نهضت آزادی را به دلایل ناموجهی رد کرد. روزنامه های صبح و عصر نیز، بدون ذکر دلیل، از درج آگهی ستاد انتخاباتی نهضت آزادی امتناع کردند. برای استفاده از مساجد جهت توضیح برنامه نامزدهای تأییدشده برای مردم، به چند مسجد مراجعه شد. در حالی که مسئولان آن مساجد از این حرکت استقبال کردند، انجام آن را منوط به صدور مجوز از نهادی به نام دفتر هماهنگی امور مساجد نمودند. لذا با دفتر مذکور تماس گرفته شد و درخواست کتبی صدور مجوز تسلیم گردید ولی مسئولان دفتر حاضر نشدند که نظر مثبت یا منفی خود را بنویسند. ضمناً برای چاپ پوستر و بروشورهای تبلیغاتی نامزدها به چاپخانه مراجعه شد. جواب دادند که بر طبق دستور وزارت ارشاد اسلامی، از چاپ هر نوع تبلیغات انتخاباتی گروه ها، بدون داشتن مجوز

کتابی از وزارت ارشاد، معذور می‌باشند. ستاد انتخاباتی نهضت آزادی، طی نامه‌ای به وزارت ارشاد، صدور چنین مجوزی را درخواست کرد. مسئول مربوط پرسش‌نامه مفصلی را ارائه نمود که می‌بایستی توسط متقاضی و چاپخانه پر می‌شد و سپس همراه با قبض مربوط به پرداخت مبلغی به حساب بانکی معینی به مسئول مربوط در وزارت ارشاد تسلیم می‌گردید. گفته شد که این تقاضا توسط هیأتی بررسی و نظر نهایی به متقاضی اعلام خواهد شد. به این ترتیب مشخص شد که مجموعه حاکمیت، یا حداقل جناح‌هایی از آن، به هیچ وجه نمی‌خواهند و نمی‌گذارند که غیر موافقان با سیاست‌های آنها حضور مؤثری در انتخابات پیدا کنند...

نهضت آزادی ایران، با توجه به محدودیت‌ها و مسائلی که ذکر شد، طی بیانیه‌ای به تاریخ 74/12/13 عدم مشارکت خود را در انتخابات اعلام نمود و به منظور توضیح علل ورود خود به میدان مبارزه انتخاباتی و سپس خروج از آن، از نمایندگان رسانه‌های همگانی داخلی و خارجی دعوت کرد که در روز سه‌شنبه 15 اسفندماه از ساعت 4 تا 6 بعدازظهر در محل دفتر خصوصی جناب آقای دکتر سحابی برای شرکت در یک مصاحبه مطبوعاتی حضور یابند... دقایقی بعد از افتتاح کنفرانس، ناگهان مأموران انتظامی و امنیتی به محل کنفرانس یورش آوردند و با خشونت از برگزارکنندگان کنفرانس مطبوعاتی خواستند که آن را بلافاصله تعطیل و محل را ترک نمایند. آنان حاضر نشدند که خود را معرفی کنند و نیز هیچ حکمی مبنی بر اجازه ورود به دفتر شخصی آقای دکتر سحابی یا حکم مأموریت برای تعطیل کنفرانس مطبوعاتی ارائه نکردند. مأموران مذکور کنفرانس را با خشونت متوقف و کلیه نوارهای صوتی و تصویری خبرنگاران را توقیف کردند، حتی کارت‌های خبرنگاری آنها را نیز گرفتند و سپس آنان را از آپارتمان بیرون نمودند... ("اطلاعیه 18 فروردین 1375)

دکتر ابراهیم یزدی در جریان انتخابات ششمین دوره ریاست جمهوری اسلامی خود را نامزد کرد ولی صلاحیت وی برای شرکت در انتخابات تأیید نشد. به دنبال آن در جریان انتخابات اولین دوره شوراهای شهر و روستا در سال 1377 نهضت تلاش کرد تا با ارائه فهرست نامزدهای مورد تأیید خود در صحنه آن انتخابات حضور داشته باشد. این نخستین بار بعد از انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی بود که نهضت آزادی، در انتخابات نامزد معرفی می‌کرد. در آن انتخابات از نامزدهای مستقل نهضت کسی وارد شوراهای شهر و روستا نشد. ولی نفس این حضور به همراه آزادی مطبوعاتی موجب شد تا در فضای بعد از دوم خرداد بار دیگر نهضت آزادی در صحنه سیاسی کشور به طور نسبی حضور پیدا کند.

در سال 1378 در جریان انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی، نهضت آزادی با ائتلاف با شورای فعالان ملی - مذهبی اقدام به ارائه فهرست نامزدهای مورد نظر خود در تعدادی از حوزه های انتخابیه و از جمله تهران کرد. تعداد زیادی از نامزدهای معرفی شده از سوی آنها از سوی شورای نگهبان رد صلاحیت شده و امکان حضور در انتخابات را پیدا نکردند. در پی این رد صلاحیت ها نهضت آزادی ضمن اعتراض به این اقدام شورای نگهبان، مردم را به شرکت در انتخابات دعوت کرد. در اطلاعیه نهضت به تاریخ 26 بهمن 1378 در این باره چنین آمده است: "نهضت آزادی ایران بار دیگر ضمن باقی ماندن بر اعتراض شدید خود به رد صلاحیت گسترده اعضا و هواداران ... و علیرغم رفتار غیراصولی تصمیم‌گیرندگان در این انتخابات، همراه با سایر شخصیت‌ها و نیروهای ملی - مذهبی فهرستی از داوطلبان را که واجد شرایط به نظر رسیدند ارائه و از آنها حمایت می‌کند و از مردم دعوت می‌نماید که به طور گسترده به پای صندوق‌های رأی بروند و با دادن رأی به تثبیت فرایند توسعه سیاسی کمک و مدد برسانند."

از میان نامزدهای معرفی شده از سوی نهضت آزادی و ائتلاف نیروهای ملی مذهبی، آقایان رحمان کارگشا از اراک و علی رضا رجایی از تهران آرای لازم برای ورود به مجلس را به دست آوردند. البته آرای رجایی و کارگشا بعد از بازشماری باطل اعلام شد.

در 18 فروردین 1380 ، یک ماه بعد از بازداشت وسیع نیروهای ملی مذهبی ، نیروهای دادستانی انقلاب بیش از بیست نفر از اعضای نهضت آزادی ایران در تهران و شهرستان ها را بازداشت کردند . بنا به اظهار دادستانی انقلاب اتهام این افراد اقدام علیه امنیت ملی و تشویش اذهان عمومی بود . در این بازداشت ها به جز دکتر یدالله سبحانی، دکتر ابراهیم یزدی و مهندس عبدالعلی بازرگان تقریباً اکثر رهبران و فعالان نهضت در تهران و شهرستان ها جزو بازداشت شدگان بودند . عبدالعلی بازرگان و دکتر یزدی در زمان دستگیری ها در ایران نبودند . مهندس محمد توسلی، مهندس هاشم صباغیان، مهندس ابوالفضل بازرگان، خسرو منصوریان، محسن محقق، محمود نعمیمی پور و... در تهران و دکتر غفار فرزندی از تبریز، فضل الله صلواتی از اصفهان ، علوی از مشهد و از شیراز در زمره بازداشت شدگان بودند. در میان بازداشت شدگان نام احمد صدر حاج سید جوادی که در آن زمان بیش از هشتاد و پنج سال از عمرش می گذشت نیز به چشم می خورد . البته وی بعد از مدت کوتاهی بازداشت آزاد شد.

اعضای بازداشت شده نهضت از شش ماه تا یک سال در زندان 59 عشرت آباد ماندند و در دادگاه انقلاب تا 9 سال زندان محکوم شدند . بعد از آن به تدریج و با قید وثیقه آزاد شدند .

یک سال بعد از این اتفاق در روزهای پایانی فروردین 1381 دکتر یدالله سبحانی دیگر عضو موسس نهضت آزادی در تهران از دنیا رفت. در مراسم تشییع پیکر دکتر سبحانی از دانشگاه تهران تا امامزاده عبدالله جمعیت زیادی شرکت کردند .

در دهه 1380 نهضت آزادی در حالی که از سوی مسئولان حکومت غیر قانونی اعلام شده بود با این حال به صورت نیمه رسمی با انتشار اعلامیه یا برگزاری مراسم به صورت نیمه رسمی فعالیت داشت . نهضت آزادی در هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری از سید محمد خاتمی و در انتخابات دوره نهم از دکتر مصطفی معین حمایت کرد .

در جریان انتخابات دوره نهم ، نهضت آزادی ایران همراه با نیروهای ملی -مذهبی و حزب مشارکت ایران اسلامی تلاش کرد تا با حمایت از تشکیل " جبهه دموکراسی و حقوق بشر خواهی " که از سوی دکتر معین پیشنهاد شده بود با نیروهای اصلاح طلب متحد شده و از این طریق در انتخابات به پیروزی دکتر معین یاری رساند . ولی در آن انتخابات به دلیل افتراق میان نیروهای اصلاح طلب که با چند نامزد در انتخابات شرکت کرده بود ، نامزد جبهه پیروان خط امام و رهبری به پیروزی رسید . جبهه دموکراسی خواهی نیز بعد از چندی به سوی تعطیلی رفت. دکتر ابراهیم یزدی دبیر کل نهضت آزادی چندی بعد از بازداشت های سال 1380 از مسافرت به ایران بازگشت و اداره امور نهضت را به دست گرفت . در این دوره وی چند بار به اتهام های گوناگون بازداشت و مدتی را در زندان به سر برد.

در سال ۱۳۸۴ با تصمیم شورای مرکزی ، شاخه جوانان نهضت آزادی با مسوولیت مهندس امیر خرم تاسیس شد. در سال ۱۳۸۶ مهندس عماد بهاورجانشین خرم در راس شاخه جوانان شد .

نهضت آزادی ایران در فاصله سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ فعالیت های تحلیلی خود را پیرامون موضوعات روز داخلی و خارجی پی گرفت و از این طریق تلاش کرد تا حضور خود در عرصه سیاسی را حفظ کند .

### **انتخابات ریاست جمهوری 1388:**

پیش از آغاز انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری، نهضت آزادی ایران فعالیت هایش را گسترش داد. حضور و عضویت تعدادی از اعضای نهضت آزادی در کمیته انتخابات آزاد، سالم و عادلانه که از زمان مجلس نهم آغاز شده بود سبب شد تا درخواست نظارت نهادهای بین المللی مورد تصویب کمیته قرار گیرد. انتشار بیانیه نظارت بین المللی از سوی کمیته یاد شده بلافاصله با پاسخ نهادهای امنیتی رو به رو شد و مسوول کمیته نهضت آزادی به اتهام تدوین پیش نویس بیانیه یاد شده در تاریخ ۳۰ فروردین ۱۳۸۸ و پیش از انتخابات بازداشت شد.

با شروع مبارزات انتخاباتی دهمین دوره ریاست جمهوری ، نهضت آزادی تلاش کرد با استفاده از فضای موجود در کنار سایر نیروهای اصلاح طلب درون و بیرون حاکمیت در صحنه حضور پیدا کند . در بیانیه نهضت به تاریخ 29 اردیبهشت 1388 ضمن نقد عملکرد دولت نهم ، مردم را به حضور و مشارکت در انتخابات و رای دادن به یکی از دو نامزد اصلاح طلبان یعنی آقایان موسوی یا کروبی تشویق کرده بود . در این بیانیه همچنین در باره صیانت از آرا ، و ضرورت عدم برخورد حذفی طرفداران نامزدهای اصلاح طلب با یکدیگر تاکید شده بود . در بخش هایی از این بیانیه چنین می خوانیم:

بعد از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در خرداد 1388 و در جریان حوادث بعد از آن، عده زیادی از اعضای نهضت آزادی در تهران و شهرستان ها بازداشت و مدتی را در زندان گذراندند که از جمله بازداشت عده ای از اعضای شاخه جوانان در شب ۲۳ خرداد و بازداشت 20 نفر در تبریز و شش نفر در زنجان بود. در تهران دکتر یزدی دبیرکل ، مهندس محمد توسلی مسئول دفتر سیاسی ، عماد بهاور مسئول شاخه جوانان ، امیر خرم و... بازداشت شدند . مدت بازداشت برخی از آنها همچون دکتر یزدی کوتاه بود و بعد از چند روز آزاد شدند . مهندس توسلی نزدیک به دو ماه و دیگران همچون عماد بهاور ، امیر خرم ، محسن محقق ، فرید طاهری و... چند سال را در زندان گذراندند .

نهضت آزادی اما به رغم این فشارها همواره در ایام برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی ، ریاست جمهوری ، شورای های اسلامی شهر و روستا و نیز مجلس خبرگان شرکت کرد. با این که در این ادوار نامزدهای معرفی شده از سوی نهضت آزادی از سوی شورای نگهبان رد صلاحیت شده و امکان شرکت در رقابت های انتخاباتی را نداشتند ولی نهضت مردم را به حضور در انتخابات و شرکت در رای گیری دعوت کرد. در انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری در سال 1392 نهضت آزادی از نامزدی آقای حسن روحانی حمایت کرد و از مردم و طرفداران خود خواست تا به ایشان رای دهند . در انتخابات دهمین دوره مجلس شورای ملی نیز نهضت آزادی خواستار شرکت مردم در انتخابات و رای به فهرست ارائه شده از سوی اصلاح طلبان شد .

در حال حاضر نهضت آزادی از فعالیت رسمی و علنی منع شده است و امکان فعالیت تشکیلاتی و نیز برگزاری مراسم به مناسبت هایی همچون سالگرد درگذشت آیت الله طالقانی، دکتر شریعتی، مهندس بازرگان و دکتر سحابی و یا حتی مراسم مذهبی نظیر عزاداری به مناسبت محرم یا شب قدر و نماز عید فطر را که در برهه ای از سال های دهه 1370 و 1380 داشت ندارد.

